



# جنبش کارگری

[WWW.Komitevehamahangi.com](http://WWW.Komitevehamahangi.com)

شماره ۴ - آذر ۱۳۸۷

نشریه کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل های کارگری



- سر مقاله ..... صفحه ۲
- انتقادات اساسنامه و اعضای هیئت مدیره سندیکای شرکت نیشکر هفت تپه ..... صفحه ۴
- تبریک به کارگران هفت تپه ..... صفحه ۵
- به زنان و مردان رزمنده بخش کشاورزی و تولید در شرکت نیشکر هفت تپه ..... صفحه ۵
- متن مصاحبه بهروز فیاز با چند تن از اعضای سندیکای شرکت نیشکر هفت تپه ..... صفحه ۶
- شعر من ..... صفحه ۱۰
- درد نامه ایران برک ..... صفحه ۱۰
- تراژدی بی پایان رنج ..... صفحه ۱۵
- گزارش شرکت در چهارمین کنفرانس بین المللی اتمادیه های کارگری! ..... صفحه ۱۶
- گزارشی از برده داری نوین در میدانهای میوه و تره بار استان گیلان ..... صفحه ۱۹
- سهم بازنشستگان از سود سازمان تامین اجتماعی ..... صفحه ۲۰
- افبار کارگری ..... صفحه ۲۲

کارگران آگاه و مبارز !

با ارسال مقالات ، گزارشات و افبار کارگری نشریه جنبش کارگری را یاری نمائید .

ایمیل شورای هیات تحریریه [Nashr.komitehamahangi@gmail.com](mailto:Nashr.komitehamahangi@gmail.com)

ایمیل کمیته هماهنگی [Komite.hamahangi@gmail.com](mailto:Komite.hamahangi@gmail.com)

## سر مقاله

### حمایت از کارگران نیشکر هفت تپه ، حمایت از جنبش کارگری است

امر خطیر سازمان یابی کارگران و ایجاد تشکل های مستقل و طبقاتی آنان ، امر خود کارگران است و هیچ بخشی از بخش های سرمایه داری حاکم و هیچ ارگان و نهادی از ارگان ها و نهاد های دولتی و خصوصی سرمایه را حق دخالت و اعمال نظر در مراحل مختلف تکوین و تشکیل آن نیست .

کارگران این شرکت ، با این اقدام انقلابی ، در عین حال این راه و این شیوه ی عمل را در معرض نگاه طبقه ی کارگر ایران قرار داده اند که : طبقه ی کارگر ، اگر می خواهد که از شر مصائب و بلایای جوامع سرمایه داری و گنداب متعفن این نظام رها گردد و به حقوق و منافع طبقاتی خویش ، در ابعاد و زمینه های مختلف دست یابد ، اگر درصدد است تا به موجودیت اسارت آور و نکیت بار قرارداد های موقت ، به عنوان قرارداد هایی ضد کارگری و قرون وسطایی ، اضافه کاری اجباری ، دستمزد های ناچیز و بغایت پایین تر از خط فقر و در بسیاری از مواقع ، تعویق همان دستمزد ها ، برای ماه های متمادی و فراوان درد و رنج اهدایی این نظام پایان دهد ، اگر خواهان آن است که حقوق و منزلتس پایمال نگردد و شرایط غیر انسانی و توحش آمیز محیط های کار و همچنین ستمگری و افسارگسیختگی کارفرمایان و حامیان آنان ، این طبقه ی تولید کننده و هستی بخش را ، از هستی و زندگی ساقط نکند ، و سرانجام ، اگر خواستار یک زندگی در خور و شایسته ی انسان است و ... باید که در مرتبه ی نخست و قبل از هر چیز ، متحد و متشکل باشد و در هر فرصت به دست آمده ، تشکل های مستقل ، توده ای و طبقاتی خویش را ، در سایه ی اعمال اراده و قدرت طبقاتی کارگران ایجاد نماید .

کارگران و نمایندگان آگاه و شجاع شرکت نیشکر هفت تپه ، با فراخوان یک روز اعتصاب در کارخانه ، در مورخه ۸ / ۸ / ۸۷ و برگزاری انتخاباتی آزاد و همگانی ، تماماً به همت و نیروی خود کارگران ، در واقع به این امر خطیر جامه ی عمل پوشاندند و آن را متحقق کردند . این کارگران ، با به این عمل شجاعانه ( تشکیل سندیکای کارگران نیشکر هفت تپه ) که دقیقاً در سایه تلاش و پایداری جمعی آنان ، و صد البته نمایندگان بیدار و آگاه کارگران ، در طول نزدیک به دو سال مبارزه و مقاومت به وقوع پیوست ، در حقیقت ، یکی از مهم ترین و حیاتی ترین خواست ها و مطالبات طبقه ی کارگر ایران را ، به ویژه در شرایط موجود ، به سرمایه داری حاکم در کشور تحمیل نمودند و بدین وسیله ، در عمل ، ثابت کردند که امر سازمان یابی و تشکل پذیری کارگران موکول و مشروط به اجازه ی هیچ فرد ، هیچ نهاد و هیچ ارگان غیر کارگری و سرمایه محور ، نبوده و تنها و تنها به خود کارگران و عزم و اراده ی آنان مربوط می شود . در واقع این حق کارگر است که متشکل شود و از حقوق و مطالبات خویش به هر نحو که صلاح می داند دفاع نماید . این کارگران همچنین بار دیگر نشان دادند که حتی در زیر سایه ی اختناق و سرکوب سیاسی و طبقاتی طبقه ی حاکم نیز می توان تحت شرایطی خاص ، به ایجاد تشکل های کارگری ، همت گمارد .

کارگران نیشکر هفت تپه ، همچنین در طول بیش از دو سال مبارزه و مقاومت ، جهت پیگیری خواست ها و

سرانجام پس از ماه ها مقاومت دلیرانه و خستگی ناپذیر و مبارزه ای پیگیر و جانانه از جانب کارگران ، که در طول مدت فعالیت و اعتراض خویش ، همواره با هشدارها و تهدیدات مکرر مدیریت کارخانه و عوامل وی و همچنین نیروهای امنیتی شهر شوش مواجه بودند تا از ایجاد تشکل های مستقل و متکی به اراده ی جمعی کارگران منع گردند ، کارگران این شرکت توانستند با اتکا به نیرو و توان توده های وسیع کارگر و عزم و اراده ی آنان ، رو در رو با حامیان سرمایه ، تشکل مستقل خود را با نام سندیکای کارگران شرکت نیشکر هفت تپه تشکیل داده و با اعلام یک روز اعتصاب در کارخانه و برگزاری انتخاباتی پرشور و آزاد ، ضمن رسمیت دادن به تشکل مستقل خویش و انتخاب نمایندگان واقعی خود ، برگ زرین دیگری را در تاریخ پرفراز و نشیب جنبش کارگری ایران ورق بزنند . بی گمان اعلام موجودیت سندیکای کارگران نیشکر هفت تپه ، و رسمیت بخشیدن به آن ، خود ، ارمغانی است که به نوبه ی خود می تواند نوید بخش تحولات شاخص و گرانبغی ، در حیات جنبش کارگری ایران باشد .

" هیئت مؤسس سندیکای کارگران شرکت نیشکر هفت تپه " ، خود طی اطلاعیه ای ، این رویداد غرور آفرین را این گونه توضیح می دهد : " صبح امروز ( ۸ / ۸ / ۸۷ ) با ورود کارگران ، درحالی که خود را برای شرکت در انتخابات آماده می کردند ، با بخش نامه ی مسئولین کارخانه ، که آنان را از شرکت در انتخابات منع می کرد و انتخابات را منوط به دستور و اجازه ی اداره ی کار می دانست مواجه شدند ... " . به موجب این اطلاعیه ، بیش از هزار نفر از کارگران در شرایطی که با ممانعت ها و کارشکنی های مدیریت کارخانه و " حضور پر رنگ نیرو های امنیتی " ، برای اعمال فشار به کارگران ، جهت عدم شرکت در انتخابات و لزوماً به شکست کشاندن آن مواجه بودند ، با جدیت و شور و حالی وصف ناپذیر ، بر سر صندوق های رأی حاضر شدند و با اعتماد به نفسی مثال زدنی ، عزم و اراده ی خود را برای رسمیت بخشیدن به تشکل مستقل خویش و انتخاب نمایندگان واقعی خود جزم کردند . کارگران در واقع با این حرکت شجاعانه و تاریخی ، نشان دادند که اگر اراده کنند و متحد و مصمم باشند ، قادر خواهند بود تا تمامی ترفند ها و مانع تراشی های ریاکارانه و ضد کارگری کارفرمایان و صاحبان سرمایه و " حضور پررنگ نیروهای امنیتی " را حتی ، به هیچ بگیرند و در پیشگاه توده های وسیع و متحد کارگران ، بی اثر و بی اعتبار سازند .

کارگران نیشکر هفت تپه و نمایندگان شجاع و فهیم این شرکت ، همچنین با حرکت دلورانه ی خویش ، در ایجاد سندیکای کارگران این شرکت ، با اتکا به نیرو و توان خود کارگران - آن هم در شرایطی که صاحبان و حامیان سرمایه ، آنان را از زوایای مختلف تحت فشار و منگنه قرار داده بودند - در واقع برای طبقه ی کارگر ایران ، این درس و این آموزه ی گران قدر را به ارمغان آورده اند که :

مطالبات خویش، از جمله تشکیل سندیکای کارگران نیشکر هفت تپه، مرحله به مرحله و گام به گام، بر این مسئله و این امر مهم، مهر تأیید کوبیدند که **هر درجه از تحقق خواست ها و مطالبات کارگران، در هر موقعیت و شرایطی، بدون مبارزه ای آگاه، متحد و پیگیر، امکان پذیر نخواهد بود و کارگران تنها در مبارزه ای جدی، متشکل و هماهنگ قادر خواهند بود که سرمایه داران را به مثابه یک طبقه، به عقب برانند و به حقوق و منافع خویش در همه ی عرصه ها دست یابند.**

بدون تردید هوشیاری و درایت رهبران عملی طبقه ی کارگر و نمایندگان آگاه و مخلص کارگران، در کارخانه ها و مراکز کار و تولید، می تواند به سهم خود، در افشا و خنثی سازی انواع حبله گری ها و ترفند های صاحبان سرمایه و کارفرمایان و بی اثر ساختن آن ها، در جهت ایجاد تفرقه در میان کارگران و به شکست کشاندن مبارزه و مقاومت آنان، مؤثر واقع شده و توده ی کارگران را در راستای پیش روی به سوی اهداف مورد نظر و دست یابی به آن اهداف و مقاصد، یاری نماید. هوشیاری و درایت رهبران عملی طبقه ی کارگر، همراه با پیگیری و اخلاص آنان - آن گونه که در شرکت نیشکر هفت تپه نیز مشاهده شده است - همچنین می تواند به عنوان یک فاکتور مهم و تأثیر گذار، در انسجام و یکپارچگی توده ی کارگران نقش بازی نموده، آحاد و بخش های مختلف این طبقه را به سوی همبستگی طبقاتی و از این طریق موفقیت و پیروزی در امر مبارزه رهنمون شود. نمایندگان و رهبران عملی طبقه ی کارگر می بایست به ویژه برای این بخش از کار - جلوگیری از ایجاد تفرقه در بین کارگران و تقویت وحدت و همبستگی طبقاتی در میان آنان - اهمیت فراوانی قائل شده و توجه ویژه ای را نسبت به آن مبذول نمایند. این نمایندگان، در عین حال نباید هیچ گاه و تحت هیچ شرایطی، خود را از توده ی کارگران جدا نموده، و احياناً در بالای سر آنان قرار گیرند.

بهر حال، امر سازمان یابی و تشکل پذیری کارگران در مراکز و محیط های کار و تولید، امروزه و به ویژه در شرایط حاضر به یکی از مبرم ترین و کلیدی ترین مسائل طبقه ی کارگر و جنبش کارگری ایران تبدیل شده است. تا آنجا که به جرأت می توان گفت که کارگران، بدون پشت سر نهادن این مرحله و ایجاد تشکل های مستقل، توده ای و طبقاتی کارگری و همچنین ایجاد ارتباط و پیوند های لازم میان آن تشکل ها، به سختی قادر خواهند بود که حتی گامی مهم و اساسی در راستای اهداف مورد نظر خویش، به جلو بردارند. اقدام غرور آفرین کارگران نیشکر هفت تپه، در ایجاد سندیکای کارگران این شرکت، با اتکا به نیرو و اعمال اراده ی مستقیم خود کارگران، می تواند به نوبه ی خود سرآغاز فصل نوینی در جنبش کارگری ایران محسوب شده و تأثیرات شگرفی را در این جنبش باقی بگذارد. این حرکت همچنین می تواند به سهم خویش به جنبش کارگری، نیرو و اعتماد به نفس ببخشد.

کارگران نیشکر هفت تپه، برای احقاق حقوق و پیگیری خواست ها و مطالبات خود - که در اکثریت قریب به اتفاق موارد، همان خواست ها و مطالبات کارگران در

سراسر ایران است - تا به اینجای کار نیز، فشارهای زیادی را تحمل نموده اند و رنج ها و مرارت های فراوانی را به جان خریدند. این کارگران با همه ی جانفشانی هایی که در راه تحقق این خواست ها و مطالبات - از جمله ایجاد تشکل مستقل و طبقاتی خویش و رسمیت بخشیدن به آن، که به ویژه در شرایط حاکمیت اختناق و سرکوب افسارگسیخته ی سرمایه، کاری بس سترگ و ستودنی به شمار می رود - از خود بروز داده اند، اما هنوز در آغاز راه قرار دارند. ایجاد این قبیل تشکل ها، خود، سرانجام کار نیستند. از این گونه تشکل ها، تنها می توان به عنوان وسیله ای در جهت تحقق خواست ها و مطالبات کارگران و احقاق حقوق آنان، در ابعاد و زمینه های مختلف سود جست و آن ها را در خدمت تحقق این خواست ها و مطالبات قرارداد. لذا باید با همه ی توان آن ها را حفظ کرد و در ادامه ی راه، از آن ها برای تشکل پذیری و سازمان یابی هرچه بیش تر کارگران و پیگیری خواست ها و مطالبات آنان، به شکلی منسجم تر و هماهنگ تر بهره جست.

کارگران نیشکر هفت تپه و نمایندگان دلیر آنان، تا به این مرحله نیز قهرمانی ها و جسارت های فراوانی از خود نشان داده اند. استبداد سرمایه، با ویژگی هایی که ما در آن سراغ داریم، چنین جسارت ها و چنین قهرمانی هایی را به ویژه از جانب کارگران، تحمل نمی کند و تا آنجا که ممکن است و در توان دارد، تلاش خواهد کرد تا با ایجاد تفرقه در میان آنان و استفاده از اهرم فشار، تهدید و ... کارگران این شرکت را در تنگنا قرار داده، از پیگیری خواست ها و مطالباتشان - از جمله استفاده از سندیکا به عنوان وسیله ای برای ادامه ی کار - منصرف نماید. **کارگران نیشکر هفت تپه، در شرایط حساس کنونی نباید تنها بمانند.** آنان به ویژه در شرایط موجود، بیش از هر زمان دیگر نیازمند حمایت و تقویت روحیه ی همبستگی و اتحاد طبقاتی، در بین نیروهای متشکله ی خویشند. این کارگران در واقع یکی از کم نظیر ترین و برجسته ترین اعتراضات کارگری را طی سال های اخیر رقم زده اند. صدای اعتراض آنان، در حقیقت صدای اعتراض تمامی کارگران و همه ی مردم ستم دیده و استثمار شده ای است که زندگی و معیشت آنان از هرسو آماج ترک تازی و تهاجم عوامل سرمایه و حامیان این نظام قرار می گیرد و بیش از پیش به تباهی کشیده می شود. نباید به صاحبان و حاکمان سرمایه اجازه داد که دست آورد های کارگران را مورد تعرض قرار دهند. **کارگران هفت تپه هم اکنون نماد مقاومت، پیگیری و جسارت طبقه ی کارگرند. نباید آن ها را تنها گذاشت.** باید از هر طریق ممکن و با همه ی توان به یاری شان شتافت و از آنان به وجه شایسته ای حمایت کرد. کارگران هفت تپه اگر تنها بمانند، معلوم نیست که چه سرنوشتی برای آنان رقم خواهد خورد. آن چه مسلم است این که، عدم موفقیت یا شکست احتمالی این کارگران در پیگیری و تحقق خواست ها و مطالبات بر حق آنان، از جمله در خصوص امر تشکل یابی مستقل کارگری، می تواند، به منزله ی درس عبرتی تلقی شود، از جانب سرمایه داران، برای کارگران سایر مراکز و محیط های کارگری و به نوبه ی خود تأثیرات بس مخرب و ناگواری را بر کارگران این شرکت و جنبش کارگری

ایران باقی بگذارد. حد اقل می توان با اعلام حمایت و پشتیبانی از کارگران این شرکت، به ویژه در مراکز و کارخانه های بزرگ و تأثیرگذار، همچون شرکت نفت و پتروشیمی و آب و برق و تلفن و حمل و نقل و خودرو سازی ها و ... در تقویت روحیه ی اتحاد و همبستگی طبقاتی در میان کارگران هفت تپه و بخش های فعال جنبش کارگری مؤثر واقع شد. تلاش کارگران پیشرو و فعالان کارگری، چیزی جز تبلیغ و ترویج امر سازمان یابی در میان کارگران و کمک به ایجاد تشکل های کارگری، در مراکز و محیط های کار و همچنین ایجاد ارتباط و پیوند در میان بخش های مختلف طبقه ی کارگر، برای تامین اتحاد و همبستگی طبقاتی کارگران نخواهد بود.

چشم بستن به روی واقعیت های عینی و ملموس در هفت تپه و پاشیدن تخم تردید و دودستگی در میان کارگران و نمایندگان منتخب آنان، بر اساس تحلیلی سطحی و بغایت کلیشه ای، آنهم در شرایطی که کارگران مبارز و دلیر هفت تپه و سندیکای مستقل آنان، در شرایط کنونی بیش از هر زمان دیگر به کمک و همیاری کارگران و فعالان کارگری نیاز دارند، می تواند ضمن به شکست کشاندن حرکت تاریخی و تحسین برانگیز کارگران هفت تپه، عواقب بسیار ناگوار و جبران ناپذیری را نیز به جنبش کارگری ایران تحمیل نموده، صاف و ساده، آن را به قربان گاه حاکمیت سرمایه و سرمایه داران حاکم بکشاند. به باور ما، وظیفه ی کارگران پیشرو و فعالان کارگری، به ویژه در شرایط حساس کنونی، نه شک میان یک و دو، و توصیه های مکرر و از برج عاج جابه جایی شورا با سندیکا یا بالعکس، بلکه حمایت از جنبش رادیکال و حی و حاضر طبقه ی کارگر ایران و به طور مشخص، کارگران نیشکر هفت تپه و دست آورد های مبارزاتی این کارگران و از این طریق، تقویت اتحاد و همبستگی طبقاتی میان بخش های مختلف طبقه ی کارگر و جنبش کارگری می باشد. کارگران هفت تپه و جنبش رادیکال و توده ای آنان به ویژه در شرایط کنونی، این پتانسیل و این قابلیت را دارد که به عرصه ای برای پیش روی و تقویت اتحاد و همبستگی طبقاتی کارگران در ایران تبدیل شده و این جنبش را اگر نه چندین گام، لااقل یک گام اساسی دیگر به جلو سوق دهد.

امید ما بر این است که دیگر بخش های طبقه ی کارگر ایران نیز بتوانند با استفاده از تجارب تاریخی طبقه ی کارگر و درس آموزی از مبارزات خستگی ناپذیر و قهرمانانه ی کارگران هفت تپه، به ویژه در امر سازمان یابی و تشکل پذیری کارگران، این شکل از مبارزه را - که صرفاً به نیرو و توان خود کارگران و اعمال اراده ی مستقیم آنان از پایین - و نه دخالت عوامل و کارگزاران سرمایه - تکیه دارد، تحت هر نام و عنوانی، در هر کارخانه و مؤسسه ای پیگیری نموده و با ایجاد این قبیل تشکل ها در مراکز و محیط های کار و برقراری ارتباط و پیوند میان آن ها، امر مبارزه با سرمایه داران را، به منظور احقاق حقوق حقه ی کارگران در همه ی زمینه ها و نهایتاً رهایی از منجلاب متعفن سرمایه و پیامد های نکبت بار آن، به شکلی آگاهانه تر و متشکل تر دنبال نمایند.

## انتخابات اساسنامه و اعضای هیئت مدیره سندیکای شرکت

### نیشکر هفت تپه

صبح امروز با ورود کارگران در حالی که فود را برای شرکت در انتخابات آماده می کردند با بفش نامه مسئولین کارخانه که آنان را از شرکت در انتخابات منع می کرد و انتخابات را منوط به دستور و اجازه اداره کار می دانست مواجه شدند.

انتخابات در ساعت ۸ صبح آغاز و تا ساعت ۱۲ ادامه داشت. در کنار هر صندوق چهار ناظر از بفش کشاورزی و کارخانه مضور داشتند و پس از آن صندوق ها به مکانی دیگر منتقل و توسط ناظرین شمارش شد.

لازم به ذکر است با وجود مدت کم برای رای گیری (مدود چهار ساعت) و موانع ایجاد شده و جو موبود در کارخانه بیش از هزار نفر از کارگران در این رای گیری شرکت کردند.

در طی مدت رای گیری نیروهای امنیتی مضور پر رنگی داشتند اما برفورد فامی صورت نگرفت.

در این انتخابات اعضای هیئت مدیره به شرح ذیل انتخاب شدند:

۱- فریدون نیکوفرد ۹۱۹ رای ۲- نبات دهلی ۶۶۷ رای ۳- علی نباتی ۵۷۸ رای ۴- (میم بسماق) ۵۴۰ رای ۵- جلیل اممدی ۳۹۸ رای ۶- علی شریفی ۳۹۴ رای ۷- رضا رفشان ۳۵۲ رای ۸-

ممد مدیر مهر ۳۰۲ رای ۹- قربان علی پور ۲۸۴ رای

با پیگیری ها و تلاش کارگران انتخابات با نظم کامل و عادلانه برگزار شد.

گزارش تکمیلی و اسامی اعضای البدل به زودی اعلام فواهد شد.

## هیئت موسس سندیکای کارگران شرکت نیشکر هفت تپه

پهارشنبه یکم آبان ماه ۱۳۸۷

## کارگران

۱- با تشکیل هر تشکل خودساخته کارگران، یک خار به چشمان همیشه حریص سرمایه داران می‌رود. در این رابطه سرمایه داران سکوت اختیار نمی‌کنند، بلکه هر روز به فکر آن هستند که چطور تشکلهای خود ساخته کارگران را به فساد بکشانند. این حکم نظام سرمایه داری است.

پس نتیجه می‌گیریم که تنها تشکیل تشکلهای نمی‌تواند کارگران را به مطالباتشان برساند. جزء مبارزه بی‌وقفه ما کارگران و نمایندگان منتخب خود کارگران، این شما نمایندگان منتخب کارگران هستند که باید همیشه به فکر مطالبات کارگران باشید و گزارش عملکرد خود را به هر شکل که برایتان میسر است به سمع و نظر کارگران متشکل در سندیکای خود برسانید. آن وقت است که کارگران به شما نمایندگان خود اعتماد پیدا می‌کنند.

۲- شما عزیزان منتخب، باید همیشه در بین کارگران باشید تا فاصله ای میان منتخبان و بدنه ایجاد نشود.

۳- ما دهها سندیکا و تشکل کارگری داریم که در حال حاضر در کشور ما مشغول به فعالیت هستند. این تشکلها بعضی وقت هم از طرف خود کارگران انتخاب می‌شوند، ولی چون گوش به فرمان دیگران هستند در کمتر از چند سال به یک تشکل پاسیو و بی‌عمل تبدیل می‌شوند.

دوستان گرامی:

این یک حقیقت آشکار است که وضع طبقه جهانی ما در حال حاضر اسفبار می‌باشد. گرانی، تورم بالا و بیکاری ناشی از تسلط مثنی سرمایه‌دار انگل سفت سبب شده تا تعداد گرسنگان در جهان از ۸۴۸ میلیون نفر به ۹۲۳ میلیون نفر برسد. آیا مشکل است

تصور کنیم که اکثریت عظیم این گرسنگان همطبقه‌ای ما و آفرینندگان ثروت و آسایش این دنیا هستند؟ رسانه‌ها بطور مداوم خبر میدهند که از بد بدتر می‌رسد. گذشته از بیکاری صدها هزار کارگر در آمریکا و اروپا بیکاریهای دیگری نیز در راه است. سازمان بین‌المللی کار اعلام کرده که شغل ۲۰ میلیون کارگر در خطر است. این رسانه‌ها تلاش دارند ما را آماده کنند تا دست روی دست بگذاریم و اجازه دهیم هر بلانی که سرمایه‌داران و دولتهایشان میخواهند سر ما بیاورند. اما کارگر نمیتواند ساکت بشیند. سکوت ما و عدم اعتراض ما برای خود و خانواده‌هایمان به فاجعه منتهی خواهد شد. پس باید بجنبیم. آنجا که تشکل رفرمیستی هست باید علیه رفرمیسم و سازشکاریش مبارزه کرد و آنرا به سازمانی رزمنده و طبقاتی تبدیل کرد. آنجا هم که تشکلی نیست کارگران باید به اتکا به نیروی خود آنرا ایجاد و تحمیل کنند. این دقیقاً کاری است که شما انجام دادید.

من این روزها که میخوانم، میشنوم و میبینم که هزاران کارگر در سنندج، تهران، گیلان و بقیه نقاط ایران در حال

### تبریک به کارگران هفت تپه

(انتخابات سندیکای شرکت نیشکر هفت تپه با موفقیت برگزار شد)

روز چهارشنبه ۱ آبان ۱۳۸۷ اولین انتخابات سندیکای شرکت نیشکر هفت تپه، با شرکت اکثریت مطلق کارگران از بخشهای کشاورزی و تولید با موفقیت برگزار شد. دیروز فضای کارخانه نیشکر هفت تپه سراسر اشتیاق برای برگزاری این انتخابات پر شور بود. کارگران این واحد تولیدی بالاخره و پس از ماه‌ها مبارزات خستگی ناپذیر به رغم تهدیدات مکرر مدیریت و حراست کارخانه و همچنین تهدید و ارعاب نهاد های امنیتی که آنان را از تشکیل چنین تشکلی بر حذر داشته بودند، طعم شیرین تولد تشکل مستقل خویش را چشیدند. ما اعضای کمیته هماهنگی این پیروزی بزرگ را به کارگران هفت تپه و فعالین جنبش کارگری تبریک گفته و آرزومند سرفرازی بیش از پیش جنبش کارگری در عرصه مبارزات کارگری هستیم.

### کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل های کارگری

۸۷/۸/۲

### به زنان و مردان رزمنده بخش کشاورزی و تولید در شرکت نیشکر هفت تپه

### عزیزان کارگر، همطبقه نی های گرامیم!

در شرایط وجود یک بحران عظیم که نظام سرمایه‌داری بر مردم دنیا و مقدم بر همه بر طبقه جهانی ما تحمیل کرده شما تشکل طبقاتی خود را در روز چهارشنبه اول آبان ۱۳۸۷ ایجاد کردید. در میان خبرهای تلخی که هر روز از مصائب تحمیلی نظام سرمایه‌داری به همطبقه‌نیهای ما می‌رسد خبر تشکیل سندیکای شما چنان شیرین است که بخشی از آن تلخیها را از بین میبرد. به خاطر کار متهورانه‌ای که، علیرغم میل و تلاش نیروهای امنیتی، اداره کار، مدیریت کارخانه و حراست، به آن دست زدید شما شایسته بیشترین ستایشها هستید.

دوستان گرامی، تشکیل سندیکا یا هر تشکل دیگر با نیروی خود کارگران خواست و مطالبه روزمره ماست. اما باید به چند نکته هم توجه کرد.

راهپیمائی و اعتصاب و اعتراضند تا حقوق معوقه و کار از دست رفته خود را پس بگیرند ضمن همدردی با آنها و تأیید مبارزانشان به خودم میگویم باید تبلیغ پیرامون ایجاد تشکل خود ساخته طبقاتی را بیشتر کرد. وقتی میشنوم و میخوانم و میبینم که از زبان وزیر کار نقل شده است که طی شش ماه گذشته ۲۵۰ هزار کارگر بخش کشاورزی به صف میلیونی بیکاران اضافه شده‌اند بیش از گذشته معتقد میشوم که باید مصممانه‌تر در راه ایجاد تشکل و وحدت قدم برداشت. وقتی به سقوط قیمت نفت به زیر ۷۰ دلار و به ندادن این سقوط مواجه میشوم میتوانم پیشاپیش ببینم که وضع ما کارگران در ایران و همه کشورهای نفت خیز بدتر خواهد شد. در چنین شرایطی بیشتر از گذشته به ضرورت ایجاد تشکلهای طبقاتی و رزمندگی فکر میکنم که شما یک نمونه‌اش را ایجاد کردید. من امیدوارم که کارگران در مراکز کاری دیگر عمل مبارزاتی شما را سرمشق قرار دهند و تشکلهای مبارز و خود ساخته خود را ایجاد کنند.

**زنده و پاینده باشید**

**سقر - محمود صالحی**

**تاریخ: ۸۷/۸/۷**

-----

### **متن مصاحبه بهروز خباز با چند تن از اعضای سندیکای شرکت نیشکر هفت تپه**



( توجه : متن مصاحبه از روی نوار صوتی پیاده شده )

بعد از مدتها مبارزه وسختی کشیدن و تجمعات خیابانی و اعتصابات و ضرب و شتم و تهدیدات و موانع بسیار خسته نباشید، انتظارات کارگران هفت تپه در وهله اول برآورده شد و همچنین انتظارات فعالین کارگری برآورده شد. خیلی ها در انتظار تولد این سندیکا بودند. به نظر باید جشن گرفته شود. برای آن حرکت قشنگ وزیبا. تبریک می گوئیم به خاطر همه این فداکاریهایی که دوستان انجام دادند. من می خواهم خیلی خودمانی و به طور کلی در جریان

ریز مسائل تدارکاتی سندیکا قرار بگیریم. این که تدارکات و سازماندهی این انتخابات از کجا شروع شد. چه تدارکاتی برای صندوقها دیده بودید. چند صندوق بود. توی قسمتهای مختلف کشاورزی، تولید و به هر حال تلاشهایی که در این زمینه صورت گرفت به چه صورت بوده است. آقای رضا رخشان لطفاً شما شروع نمایید؟

**رضا رخشان:** حدود سه روز پیش در حالی که کارگران یعنی کسانی که کاندید شده بودند - نزدیک به سی نفر- در جلسه ای که باهم داشتیم بحثمان در مورد نحوه برگزاری انتخابات بود. بالاخره فلسفه سندیکا یکسال بود که در موردش صحبت می کردیم و دیگر از آن مرز گذشته بودیم. دیگر جایی برای بحث اضافه نبود. فقط در مورد نحوه برگزاری انتخابات بود. در آن جلسه قرار بر این شد که ما برای کارخانه دو تا صندوق ثابت داشته باشیم که البته یکی از آنها به صورت نیمه سیار دو ساعت اینجا و دو ساعت درخوراک دام، دو ساعت درتجهیزات به صورت نیمه ثابت باشد. در مورد کشاورزی يك مقدار اختلاف نظر بود. من و آقای احمدی در جلسه گفتیم که کشاورزی به خاطر حجم زیاد و پراکندگی که دارد، نزدیک به دوازده هزار هکتار مزارع دایر و دوازده هزار هکتار مزارع بایر که اینها باهم تداخل دارند. یعنی دایر و بایر جدا از هم نیستند. که کارگران آبیاری یا دفع آفات و یا کشت و کار را بشود در حجم کوچکتری مجزا کرد. از این رو ما پیشنهاد کرده بودیم در قسمت کشاورزی سه صندوق باشد. دوستان به خاطر مسائل امنیتی و هم چنین مسائل تدارکات و نظارت بر صندوق ها يك مقدار مخالفت کردند که در نهایت روی دو تا صندوق در کشاورزی به توافق رسیدیم. البته من و آقای احمدی می دانستیم که این تعداد جوابگو نیست. به خصوص این که من با دوستان صحبت کرده بودم برای گرفتن رای يك الی دو دقیقه به ازای هر نفر زمان احتیاج است. حال فرض کنید که ۱۳۸۲ نفر کارگر قسمت کشاورزی حداقل به ۱۳۸۲ دقیقه زمان نیاز دارند که حدود ۱۰ ساعت می شود. که زمان بسیار طولانی است. ولی ما شروع کردیم و از قسمت کشاورزی شش نفر ناظر انتخاب شدند و از کارخانه هم همین تعداد. به خاطر این که شك و شبه ای در نحوه برگزاری انتخابات پیش نیاید قرار بر این گذاشته شد که دو نفر از بچه های کشاورزی و دو نفر از بچه های کارخانه به عنوان رئیس صندوق نظارت کنند که شائبه تقلب در انتخابات پیش نیاید. این موضوع بر می گردد به سه روز پیش و دیروز اعمال شد. انتخابات را در ساعت يك ربع به ۸ شروع کردیم که دربخش کشاورزی کمی زودتر شروع شد. این کار به این علت بود که از کارگران سیار زودتر رای گیری شود. بنابراین يك صندوق به قسمت کشت و يك صندوق به قسمت نی بری فرستاده شد.

نی بری حدود ۲۵۰-۳۰۰ کارگر دارد که کار آنها کنترات بوده بعد از تحویل يك یا چند باندول از کار مرخص می شوند. یعنی ساعت ۹،۳۰-۱۰ کار کاملاً تعطیل می شود.

**س: باندول را توضیح دهید.**

**رضا رخشان:** يك باندول تشکیل شده است از ۵۰ الی ۶۰ قلم نی که آنها را به وسیله برگ نی دسته می کنند. هر بسته را در تعداد پنجاه عدد به صورت قلمه در می آورند

که هر قلمه از دست تا آرنج بسته بندی می شود که به آن باندول می گویند.

ما ساعت ۸،۳۰ به نی بری رسیدیم. واقعا نفرات زیاد بودند با این مشکلاتی که عرض کردم با فرض اینکه هر رای چقدر طول میکشد شروع کردیم به رای گیری. ناگفته نماند که من پیشنهادهای کرده بودم به دوستان که اگر بشود پر کردن برگه عضویت را به بعد از انتخابات که وقت می گرفت موکول کنیم. من این را میدانستم که همه استقبال می کنند. با تمام سختی های که بود حدود ساعت ۱۱ نی بری تمام شد و خیلی از بچه ها تعطیل کرده بودند. ما توانستیم ۶۰٪ آرا را جمع کنیم چون رای گیری ما کند بود و بچه ها سریع کنترات گرفته بودند و می رفتند. بعضیها هم اطلاع نداشتند چون نی بری در یک مزرعه بیست هکتاری بزرگ انجام می شود. بعد از نی بری شروع کردیم به گرفتن آرا در قسمتهای آبیاری. زمینهای سری ۴۰۰ و ۳۰۰. این ۳۰۰ و ۴۰۰ از زمان به وجود آمدن شرکت بر اساس قرارداد تعیین شده است. کلا زمینهای شرکت به ۱۰۰-۲۰۰-۳۰۰ الی ۹۰۰ تقسیم می شوند که در قسمت ۱۱۰۰ از ۱۰۱ تا ۱۳۲ شماره داریم. یعنی دیگر شماره ۱۳۳ وجود ندارد. بعد از آن «۲۰۰-۲۰۱-...» ۲۰۴ تا ۲۵۰. این شماره گذاری یک قراردادی است که من دقیقا جریان آن را نمی دانم. گویا خارجیها که اینجا بودند این اعداد را تعیین کرده بودند که بعدها بشود از زمینهای دایر به آنها اضافه کرد.

رای گیری تا ساعت یک طول کشید و متاسفانه به خاطر مسائلی از قبیل کمبود صندوق و طولانی بودن زمان رای گیری، حدود دو سوم آرای کشاورزی را نتوانستیم جمع کنیم. یعنی واقعا بچه ها منتظر بودند. و واقعا اشتیاق بود.

**س: علی رغم این همه اشتیاق آیا این استنباط درستی است که بعضی از همکاران شما به این رای گیری نرسیدند؟**

**ج:** من روز رای گیری از اداره کشاورزی، محلتهای تراکم بچه های آبیاری و دفع آفات را گرفته بودم و به آنها اطلاع داده بودم که فردا روز رای گیری است. و بچه ها آنها را در یکی دو نقطه جمع کرده بودند و واقعا منتظر ما بودند که رای آنها گرفته شود. این که مدام با تلفن به من زنگ می زدند که کی صندوق می رسد. یعنی واقعا این شور و اشتیاق برای انتخابات بود. حالا انشاءالله در چند روز آینده شروع می کنیم به عضو گیری اعضای جدید. و من مطمئن هستم که فقط در اداره کشاورزی بالای هزار عضو داشته باشیم.

**س: آقای نجاتی، در تلاش و فداکاریهایی که در مبارزات کارگران شرکت هفت تپه بود، آقای رضا رخشان مرتبا به شما اشاره مینمودند. با تلاشهایی که داشتید همه ما شاهد بودیم به عنوان یک فعال کارگری سهم مهمی در این مبارزات داشتید. انتخابات شرکت هفت تپه را چگونه دیدید؟ لطفاً عنوان نمایید که در این انتخابات کارگران به چه چیزی رای دادند؟**

**علی نجاتی:** من تشکر می کنم از شما آقای خباز به عنوان یکی از فعالین کارگری شرکت هفت تپه. در این مدت شاهد این بودیم که شما به همراه دوستان واقعا نسبت به آشنایی بچه ها به مسائل کارگری خودشان خیلی تلاش نمودید. تا

حق و حقوق خودشان را بشناسند. تشکر می کنیم از شما و سایر دوستان. قبل از اینکه من جواب سوال شما را بدهم از صحبتهای آقای رخشان تشکر مینمایم و اینکه از آشنایی با ایشان بعد از این جریانات خوشحال شدم بخاطر اینکه دوستی است آشنا به مسائل روز، تحصیل کرده و بسیار فعال در راستای اهداف کارگری. بخاطر اینکه وضعیت ما کاملا وضعیت استثنایی بود و در طول این یکسال کلا استرس داشتیم. در رابطه با انتخاباتمان مجبور شدیم در انتخابات چهار تا صندوق داشته باشیم بخاطر وضعیت امنیتی منطقه بخاطر موقعیتی که خودمان داشتیم بخاطر اینکه آشنایی کامل نداشتیم که بعد دوستان میتوانند واقعا جواب بدهند یا نه، همچنین مشکل وسیله داشتیم بخاطر کارگران کشاورزی چون هفت تپه وابسته به کشاورزی است و کشاورزی بسیار وسیع است بیش از بیست هزار هکتار زمین داریم که بایستی وسیله باشد، امکانات لازم باشد تا آدم بدون هیچگونه استرسی بتواند کارش را انجام بدهد ما متاسفانه چون استرس داشتیم واقعا خیلی تحت فشار بودیم نمی توانستیم بیشتر از این صندوق داشته باشیم مطمئن اگر صندوق بیشتری داشتیم آرا از بخش کشاورزی بیشتر از این بود. هیچ شکی در آن نیست که خیلی آرا بالاتر میرفت. من به عنوان یکی از کارگران نیشکر هفت تپه از اینکه این تعداد آرا جمع شد خوشحال هستم و تبریک میگویم این پیروزی را بعد از سی سال به جامعه کارگری که بجز بازوان خودش هیچ احدی از کارگران حمایت نمیکند. کاری که انجام میدهد پشتوانه اش خودش می باشد. لطفاً قسمت دوم سنوالتان را دوباره تکرار نمایند تا من دقیقتر به آن بپردازم.

**س: من یاد آن شعاری افتادم که یکی از شعارها، در جنبش کارگری و فعالین متشکل در کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل های کارگری شد و آن این است که "کارگران تشکل کارگری را با اتکا به نیروی خود ایجاد کنید". با این مبارزاتی که صورت گرفته و ماحصل فعلی آن انتخابات پرشور سندیکای هفت تپه است، می توانیم جداً این نتیجه را بگیریم که این سندیکا با اتکا به نیروی خود کارگران برپا شد. ما می توانیم این را به عین ببینیم. سوال من این بود که در این انتخابات کارگران به چه رای دادند؟**

**علی نجاتی:** همان طور که قبلا بچه ها گفته بودند و همانطوریکه در جریان هستم ما الان حدود یک سال و نیم است که در رابطه با این تشکل تبلیغ کردیم. تبلیغ هم به این صورت بود که یک تشکل آزاد کارگری، تشکلی به نام سندیکای کارگری است. روی این کار تبلیغات شده بود و کارگران با مقاله نامه ها و منشورهایی که داده شده بود در رابطه با سندیکا و تشکل سندیکایی و حقوق سندیکایی آشنا شدند. آشنا شدند که سندیکا در غالب نماینده کارگر و چیزی که کارگر می خواهد، می تواند از حقوق کارگر دفاع بکند. و کارگران هم صرفا به سندیکا رای دادند. چون صحبت ما در هر جا صحبت از سندیکا بود. علی رغم این که می گویند مخالفت های شدیدی می شود از طرف مسئولین چه در شهرستان و چه در سطح مملکتی، کارگران تمام صحبتشان سندیکا بود و دیروز کارگران نیشکر هفت تپه با آرای بسیار خوبی که دادند و بنده به عنوان یکی از کاندیداها به عنوان یکی از فعالین کارگری در این یک سال

و نیم که در این رابطه فعالیت می کنم انتظار این همه رای را نداشتم. و انتظار این همه استقبال را نداشتم. دلایل هم بسیار واضح است. دلیل آن این است که از نظر امنیتی مردم مشکل دارند. دلیل دیگر هم این است که مدیریت شرکت طی بخشنامه ای که روی بردهای شرکت زده بودند اعلام کرده بود که بایستی کسی که نماینده می شود از طریق اداره کار شهر مورد تأیید باشد و این انتخابات غیر قانونی است. علی رغم این که بخشنامه رسمی زده بودند عمومیت کارگران با استقبال فوق العاده ای شرکت کردند. تبریک می گویم به تمام کارگران نیشکر هفت تپه و تبریک می گویم به تمام کارگران ایران و به امید اتحاد تمام کارگران جهان.

**س: زنده باشید علی جان. این موانعی که برشمردید من خواستم اشاره ای هم داشته باشید به این موضوع که به هر حال نهاد های امنیتی گویا این انتخابات را از پیشاپیش قبول نداشتند و ممنوع کرده بودند. شما علی رغم تمام این موانع و تهدیداتی که صورت گرفته بود، از طرف ادارات مختلف کار و غیره این انتخابات را به سلامتی و با مشارکت حداکثری کارگران و همکارانتان انجام دادید. آقای نجاتی چه کسانی برای هیات مدیره انتخاب شدند؟**

**علی نجاتی:** در انتخابات دیروز، اول آبانماه سال ۸۷ از بین بیست و هشت کاندید انجمن صنفی یا سندیکا ( انجمن صنفی را به این خاطر می گویم که ما یک تشکل صنفی هستیم و در قالب نام سندیکای کارگری فعالیت می کنیم و به این خاطر می گویم انجمن صنفی چون تشکل ما یک تشکل صنفی - کارگری است. ولی نام آن سندیکا است) کارگران در این انتخابات شرکت کردند که از بین بیست و هشت نفر آقایان نیکوفرد - نجات دهلی - رحیم بسحاق - جلیل احمدی - علی شریفی - رضا رخشان - محمد حیدری مهر - قربان علی پور و علی نجاتی به عنوان نمایندگان کارگران نیشکر هفت تپه در هیات مدیره و پنج نفر هم به عنوان اعضای علی البدل و بازرس بعد از انتخابات و جلسات دیگر معرفی می شوند. یعنی از نفر اول تا نهم به عنوان هیات مدیره و از نفر دهم تا پانزدهم پنج نفر به عنوان اعضای علی البدل و بازرس انتخاب می شوند.

**س: آنچه که به هر حال ما می دانیم ترکیب قومی در نیشکر هفت تپه پر رنگ است این مسئله تا چه حد در انتخاب نماینده ها تاثیر داشت؟**

**علی نجاتی:** من انتظار دارم از آقای رخشان به این سوال جواب بدهند.

**رضا رخشان:** اولاً باید به صحبت های دوستان آقای نجاتی یک سری مطالب را اضافه کنم. در تکمیل حرف های ایشان، امروز روز پیروزی کارگر بود نه پیروزی اشخاص خاص! دیروز کارگر هفت تپه با این که از طرف مدیریت، از طرف اداره کار، از طرف اطلاعات تحت فشار بود از همه نیروهایی که واقعا او را ایزوله کرده بودند و تحت محاصره آنها بود هراسی به خود راه نداد و این انتخابات پرشور را برگزار کرد. من واقعا آفرین می گویم و خودم به عنوان یکی از کاندیداها و به عنوان یکی از کارگران واقعا لذت بردم از همه شجاعت کارگران و تبریک می گویم

به جامعه کارگری ایران که توانست برگ زرینی از مبارزات کارگری خود را به پیش ببرد و تجربه ای باشد برای سایر کارگران ایران که بتوانند تشکل آزاد کارگری خودشان را به وجود بیاورند. دیروز کارگر هفت تپه تشکل آزاد کارگری می خواست. دیروز کارگر هفت تپه نمایندگانی می خواست از جنس کارگر. دیروز کارگران هفت تپه نمایندگانی می خواستند درد آشنای کارگر. من واقعا تبریک می گویم که به این هدف بزرگ رسیدیم. کما این که معتقدم هنوز گام اول است و ما به عنوان اعضای هیات مدیره باید بتوانیم پیوند خودمان را با بدنه کارگری حفظ کنیم. سعی نکنیم از بدنه کارگری جدا شویم. چون این آفت فعالین کارگری است که اگر روزی از بدنه کارگری جدا بشوند در آن صورت محکوم به نابودی هستیم و ما نباید به این آرای بالا دلخوش باشیم چون که در صورت عملکرد ضعیفمان این آرای بالا شکسته خواهد خورد و آن چیزی که ما فعالین کارگری و حالا اعضای هیات مدیره باید تلاش کنیم که به آن دست پیدا کنیم حمایت هر چه بیشتر کارگری است که آن هم بستگی به عملکرد مثبت ما در فعالیت این دوران دارد. این است که معتقدم دیروز گام اول برداشته شد و معتقدم که ما در ابتدای مبارزه هستیم و باید روی مسائل آموزشی و روابط عمومی کارکنیم. آموزش باید دامن گیر شود و افراد زیادی جذب سندیکا بشوند و ما باید هزاران علی نجاتی در هفت تپه تربیت کنیم. هزاران نیکوفرد بسازیم و نه قائل به شخص بودن. چون که ممکن است این تشکل به ابتذال و فساد کشیده شود. من به دوستان توصیه می کنم که مسئله آموزش را جدی بگیرند و در فردای برگزاری انتخابات سندیکا برای آموزش تلاش کنیم تا کارگر هفت تپه نسبت به حق و حقوق خود آگاه باشد و هرچه این کارگر آگاه تر باشد تمامی جامعه کارگری ایران در راه احقاق حقوق خود تلاش می کند. در این صورت فعالین کارگری و نمایندگان کارگری از مصونیت بیشتری برخوردار می شوند. در مورد بافت جمعیتی که در منطقه هفت تپه قرار دارد از بافت عرب و لر کوچک و بزرگ لر خرم آباد و لر بختیاری و دزفولی تشکیل شده که دزفولیا معمولاً در کارخانه مشغول بودند (به علت مسائل فرهنگی و سطح سواد). عربها بیشتر در مناطق کشاورزی و لرها در هر دو بخش تقسیم شده اند. در مورد نقش قومیت در مبارزات هفت تپه باید بگویم که خیلی اهمیت داشته است. یکی از مسائلی که مصونیت ایجاد کرد در مبارزات کارگران هفت تپه و آن سرکوب همه جانبه که در اکثر نقاط ایران بر علیه کارگران در سنجندج در تهران و اتوبوسرانی اتفاق افتاد در هفت تپه رخ نداد به علت بافت قبیله ای و عشیره ای منطقه شوش است که برای مثال من کارگر یک ایل یک عشیره پشت سرم هستم و در مورد سایر دوستان نیز همین طور است که این مصونیت ایجاد کرد برای کارگران هفت تپه در این مبارزات و اعتصابات پنجاه روزه. من قول می دهم که اگر این مسئله نبود خیلی راحت تر با آن مقابله می کردند و شکننده تر بود.

**س: آیا می توان این نتیجه را گرفت که این مبارزات کارگران در هفت تپه در واقع این مبارزات طبقاتی بوده که طبقه کارگر لر و عرب و دزفولی رابه عنوان یک طبقه متحد کرده و اینها نه تنها مانعی نشد در انتخاب نمایندگان**



**لر توسط کارگر عرب یا مانعی نشد برای انتخاب نماینده عرب توسط لرها در هیات مدیره؟ این به نظر من خیلی درس آموز بوده است در ارتباط با هفت تپه.**

**رضا رخشان :** قطعاً همین طور بوده است . در منطقه شوش بین فرهنگهای مختلف خوشبختانه همزیستی مسالمت آمیز است. بین قومیهایی مختلف ما بده بستان داریم با هم پیوند داریم و من دیروز در انتخابات دیدم که بسیار برادران عرب بودند که به ما رای می دادند. به نمایندگان لر رای می دادند و نتیجه این انتخابات هم نشان داد که بحث انتخاب قومیت خاص در این انتخابات اصلاً مطرح نبود و آن چیزی که کارگر، دیروز انتخاب کرد رای دادن به کسانی بود که به آنها اعتماد داشتند. نتیجه مبارزاتشان را دیده بودند و همه می گفتند که دوستان زحمت کشیده اند و ما برای مسئله انتخابات حاضر نیستیم حتی به دوستان و همزبانان خود رای بدهیم چون معتقدیم که این دوستان می توانند از حق ما دفاع بکنند.

**س: آقای نجاتی استقبال همکارانتان در قسمت کارمندی و دوستان مهندسان چطور بود؟**

**علی نجاتی :** همان طور که می دانید و قبلاً هم صحبت شد استقبال فوق العاده بود چون این انتخابات ، انتخابات کارکنان بود و فقط کارگری نبود. تمامی پرسنل در این انتخابات شرکت داشتند. از جمله کارمندان و مهندسان و این که بیشتر افرادی که برای تشکل کارگری کاندید شده بودند ، کارگر بودند باعث نشد که کارمندان و مهندسان شرکت نکنند. شرکت کارمندان و مهندسان فوق العاده بود و بنده به عنوان یکی از نمایندگان بسیار خوشحالم.

**س: واقعا خسته نباشید. در رابطه با مسئولیت ، وظایف و عملکرد سندیکا، به این که چه اختیاراتی دارد و در رابطه با اتکا به همان نیروی خود کارگر، می توانیم صحبت‌هایی از شما بشنویم؟**

**علی نجاتی :** همان طور که می بینیم سندیکا در کشور ما رسماً تأیید شده ولی در محافل مملکتی و یا ارگانهای دولتی ما متأسفانه به آن اختیار و بها نمی دهند. با این که سندیکا را دولت جمهوری اسلامی به عنوان يك نهاد از سازمان جهانی کار پذیرفته است اما اجازه فعالیت به افراد در قالب سندیکا نمی دهند. حالا چه دلیلی دارد من نمی دانم!

ولی اختیاراتی که سندیکا دارد : به عنوان نماینده کارگری اختیار دارد و تا پشتوانه کارگری نداشته باشد فکر نکنم از حقوق کارگری اش بتواند دفاع بکند چون در قانون ما کتبا آمده و عملاً به اجرا نمی گذارند و کسی از مسئولین منطقه اداره کار یا نهادهای دولتی ، از نمایندگان کارگری که غالباً سندیکا هستند حمایت نمی کنند، پس بنابراین پشتوانه سندیکا و افرادی که نماینده سندیکا هستند فقط پشتوانه کارگری است که بتوانند از حقوق پرسنلی که به آنها رای داده اند دفاع کنند .

**س: آخرین سوال ما . میخواهیم بدانیم که شما فعالین و اعضای هیئت مدیره سندیکای هفت تپه ، چه انتظاری از دیگر فعالین کارگری و تشکلهای کارگری دارید؟**

**علی نجاتی:** همانطور که اول صحبت‌هایم گفتم بنده به عنوان یکی از کارگران نیشکر هفت تپه و امروز به عنوان یکی از

نمایندگان سندیکا از تمام فعالین کارگری کمیته هماهنگی ، کانون نویسندگان ، شورای همکاری و تمامی دوستانی که به ما مشاوره دادند در تمام این مدت واقعا کمال تشکر را دارم بنده بدون هیچ اغراقی میتوانم بگویم حداقل ۵۰ درصد ما توسط مشاوره با دوستان ، با مسائل روز کارگری آشنا شدیم و این در پیشبرد اهدافمان تا رسیدن به امروز که تشکلمان را به سرانجام رساندیم بسیار به ما کمک کرد. بنده به عنوان یکی از نمایندگان کارگران در سندیکای نیشکر هفت تپه از شما تشکر میکنم و باز هم تشکر میکنم . من تشکر میکنم از شما و تمامی دوستانی که زحمت کشیده اند در رابطه با مسائل نیشکر هفت تپه . به امید روزی که همه درکنار هم جشن پیروزی و اتحاد کارگران را در غالب سندیکا و اتحادیه کارگری جشن بگیریم امیدوارم پیروز و موفق باشید . از همه شما سپاسگذارم .

**س: آقای رضا رخشان شما ؟**

**رضا رخشان:** برگردیم به يك سال پیش، حالا رضا رخشان در زندگی اش يك مقدار مطالعه داشت می دانست که سندیکا چی هست ، من از همان سالهای قبل می دانستم که کارگران جهان در دو حق مساوی اند یکی به رسمیت شناختن حق اعتصاب به عنوان یکی از حقوق اولیه کارگران که دولت موظف است که این حق اعتصاب را به رسمیت بشناسد. و دیگری داشتن تشکل آزاد یا اتحادیه یا سندیکای آزاد و تشکل آزاد کارگری به عنوان یکی از بدیهی ترین و اساسی ترین حق کارگری. اما واقع امر این بود که در يك سال پیش شاید این يك نوع خیال پردازی بود که در هفت تپه ممکن بود همچنین حالتی رخ بدهد. من به عنوان کارگر هفت تپه واقعا يك سال پیش در همین زمان در ذهنم نمی گنجید که در آینده نزدیک چنین چیزی در هفت تپه به وجود بیاید. این چنین تشکلی در هفت تپه به وجود بیاید. و هم چنین تشکل آزاد. و این را فقط از يك چیز می دانم ، در اثر فعالیت شما دوستان و فعالین کارگری و مبارز که به ما روشنگری را دادید. که به ما قوت قلب دادید. به ما آگاهی دادید. نقش آگاهی بخشی شما برای ما خیلی مهم بوده و ما این آگاهی ها را به دوستانمان منتقل کردیم و کارگر هفت تپه نسبت به يك سال پیش خیلی آگاه است. کارگر هفت تپه الان می داند سندیکا چی هست و می داند که باید تشکل آزاد کارگری بخواند. تشکل وابسته نمی خواهد و ما این را از فعالیت‌های شما دوستان عزیز می دانیم. و از شما انتظار داریم حالا که ما الان گام اول را برداشتیم فعالیتتان را ادامه بدهید. يك دفعه قطع نشود. فکر

نکنید همه چیز تمام شده . يك طفلی که تازه به دنیا آمده، این طفل باید پرورش پیدا کند بتوانیم به بقیه دوستان و بافت کارگری هفت تپه منتقل بکنیم. همه بشوند علی نجاتی- همه بشوند آقای نیکو فر و سایر دوستان. این است که از شما خواهش می کنم این همکاری خود را با ما قطع نکرده و بیشتر کنید که ما نیاز به این همکاری داریم که بتوانیم این آگاهی‌هایی که شما به ما می دهید به دوستان منتقل کنیم که واقعا اثر دارد. از شما و خانم محسنی، از آقای تقفی و عسکری و مجید و خیلی از دوستان که من افتخار آشنایی را با ایشان و همکاری با آنها را دارم. ما واقعا به این کمک شما نیاز داریم .

خباز: من هم به سهم خودم به عنوان يك فعال کارگری در پوست خود نی گنجم و خیلی شادم از این لحظات. ما بچه های کمپته هماهنگی، امیدواریم در آینده شاهد شکل گیری تشکل مستقل در قالب شوراهای مستقل کارگری، سندیکای مستقل کارگری در کارخانه های کوچک و بزرگ باشیم و امیدواریم و آرزو داریم کارگران هفت تپه با به دست گرفتن سندیکای مستقل خود بتوانند به آرزوهای زیبایشان جامه عمل بپوشانند.

تشکر می کنم از همه شما.

## شعر من

من برای مردمانی گرسنه شعر می گویم

مردمانی که بر پرندگان کوچک

رشک می برند

برای آشیان کوچک شان

بگذار روسپیان سرمایه داری

بر شعر من

خشم گیرند

بگذار دشمنان

- دزدان نان کودکان کارگران

- دزدان شادمانی

زوزه کشند از ترانه من

بگذار نفرین زنانشان

بر جان من بماند!

اقتاتو می دانی

تنها تو می دانی

که من

غرق در اشک شعر سرودم

غرقه در خون

تنها تو می دانی

که من

از رنجی نبرده سخن نمی گویم

و هیچگاه

دردی نداشته ام به نام بی دردی

تنها تو می دانی این دل

چه رودخانه شفافست

و چه آرزوهای لطیفی دارد

برای تو

برای تمام انسانها

مجید میرزایی

چهارشنبه ۱۳۶۴/۱۰/۱۸

## (( دردنامه ایران برک ))

(( کارخانجات پشمبافی و لباسدوزی " ایران برک " در کیلومتر ۵ جاده لاکان به رشت قرار دارد و در سال ۱۳۴۸ تاسیس و از سال ۱۳۵۲ مورد بهره برداری قرار گرفته است. این کارخانجات پس از انقلاب مصادره و به سازمان صنایع ملی واگذار شد در سال ۱۳۷۰ سهام این کارخانه در بورس اوراق بهادار عرضه شد و بسیاری از افراد حقیقی و حقوقی برای خرید سهام این کارخانجات اقدام کردند و اکنون این کارخانجات به طور خصوصی اداره می شود.

ایران برک از سال ۱۳۸۱ وضعیت بحرانی پیدا نمود و این مهم عمدتاً به دلیل عدم کارآمدی مدیرانی که بیشتر به فکر منافع شخصی و مادی خود بودند تا کار و چرخه تولید، به وقوع پیوست. این کارخانجات تا سال ۱۳۸۱ محصولات خود را شامل کت و شلوار و پارچه فاستونی را به کشورهای سوئد، ایتالیا و انگلیس صادر می نمود. در این سال صاحبان این کارخانجات چون دیدند می توانند از دولت وام های آن چنانی دریافت نمایند کارخانه ای را که حدود ۱۲۰۰ نفر پرسنل داشت و چندین و چند خانواده از آن نان می خوردند به نابودی کشیدند و با ندادن ماه ها حقوق و دستمزد کارگران و نیاوردن مواد اولیه این طور وانمود کردند که کارخانه ورشکسته شده و می باید از دولت وام بگیرند تا شروع به کار نماید. از سال ۸۱ تاکنون حدود ۶ سال است که این کارخانجات به عناوین مختلف انواع وام های دولتی را دریافت می نماید ولی متأسفانه این پول ها به هیچ عنوان در کارخانه و برای تولید و بازپرداخت و دستمزد و مزایای کارگران خرج نمی شود و معلوم نیست که این وام ها در کدام شهرستان و یا تهران و در چه بخشی مورد بهره برداری قرار می گیرد چون در صنعت نساجی و کارخانه ایران برک خبری از آن نیست.

جالب اینجاست که پرسنلی که جوانی خود را از سالیان دراز در این کارخانجات گذاشتند و پس از چندین سال بازنشسته شده اند هنوز پس از ۱ سال سنوات خود را دریافت ننموده اند و همواره وعده سر خرمن به آن ها داده می شود. و کارگران نیز که روزی حدود ۱۲۰۰ نفر بوده اند امروز به ۲۷۰ نفر تقلیل پیدا نمودند و هنوز مطالباتی دارند از قبیل ۴ سال بن کارگری، نصف عیدی سال ۸۷ و حقوق معوقه ی شان از اردیبهشت تا شهریور که هنوز دریافت ننموده اند. در این کارخانجات اکنون وضعیتی حاکم است که اگر کارگری به هر عنوان بخواهد صحبت از حق و حقوق خود بنماید سریعاً او را اخراج می کنند. حتی در اردیبهشت ماه ۸۷، کارگرانی که بخاطر احقاق حق خود با چند دستگاه اتوبوس عازم دفتر مرکزی تهران شدند تا صدای خود را به گوش صاحبان کارخانجات برسانند که این حداقل حقوق را از آنها دریغ نکنند، ولی در کمال ناباوری پس از برگشت از تهران حدود ۲۰ نفر از پرسنل قراردادی را به دلیل اینکه چرا به تهران رفته اید اخراج نمودند و جالب است که هیچ کس به فریاد آنها و خانواده های دردمندشان نرسید. در آخر که این داستان ادامه دارد و هیچ فریادرسی نیست تا به داد این ضعیف

ترین قشرهای جامعه ( کارگران ) برسد و اکنون کارگران ایران برک چه شاغل و چه بازنشسته چشم امید به دستان صاحبان سرمایه دار بی درد بسته اند تا انشاالله خداوند احقاق حق نماید.))

\* \* \*

((تأملی بر گزارش ، یا " دردنامه ی " کارگران ایران برک))

این گزارش ، یا آن طور که نویسنده بر آن نام نهاده است " دردنامه " را ، یکی از کارگران شریف و دردمند کارخانه ی ایران برک نوشته و به دوستان ما داده است تا انعکاس یابد. با این تصور که شاید به قول ایشان " فریادرسی " پیدا شود و به " فریاد کارگران ، این ضعیف ترین قشر های جامعه !!! و خانواده های دردمندشان برسد . " و به " داستان درد و رنج آنان ، پایان دهد " !!! . ما نیز تصمیم گرفتیم تا به جهت نکات قابل ذکر و قابل تأملی که به ویژه در این گزارش دیده می شد، ضمن انعکاس آن در سایت کمیته ی هماهنگی، اشاراتی نیز به برخی از موارد و موضوعات مطرح شده در آن داشته باشیم.

نخست اینکه، دردنامه ی حاضر اگرچه در رابطه با کارخانه ی ایران برک نوشته شده، اما همان طور که مشاهده می شود، شرایط و اوضاع و احوالی را که بویژه در ارتباط با وضعیت کارگران تحت ستم و استثمار کارخانه، در آن تصویر می شود، صرفاً منحصر به کارگران آن کارخانه نبوده و در حقیقت وصف حال خیل عظیمی از انسان های دردکشیده و استثمار شده ای است که علی رغم سال ها کار و تلاش و تحمل شدیدترین و بی رحمانه ترین اشکال ستم و بهره کشی ، دقیقاً بخاطر حرص و آز سیری ناپذیر سرمایه داران و تغییرریل سرمایه گذاری به عرصه های سودآورتر و سهل الوصول تر آن - هر زمان که اراده کنند - و حمایت بی چون و چرا و تام و تمام دولت حامی سرمایه از آنان ، به ناگهان گرفتار بحران های ساختگی - از نوع بحرانی که دوست کارگر ما در کارخانه ی ایران برک، در گزارش خود به گوشه هایی از آن ها اشاره کرده است - شده و پس از یک چند دست و پا زدن در پهنه ی حوادث و جنگ و گریز با سرمایه داران و حامیان شان در ارگان های دولتی، اگر که خیلی خوش شانس بوده و جزء آنانی نباشند که به بهانه ها و ترفند های ساختگی و سرمایه پسند از محیط های کار و تولید اخراج شده و به جرگه ی بیکاران پیوسته باشند، همچنان در روند ارزش افزایی سرمایه و پر کردن جیب سرمایه داران و فریه کردن آنان ، باقی مانده ، درد و رنج ناشی از ستم و استثمار این نظام گنبدیده و ضد کارگری را ، شاید به شکلی بی رحمانه تر و ضد انسانی تر از گذشته، تجربه و تحمل کنند.

این وضعیت - البته در شرایط موجود و با استثنائاتی در اینجا و آنجا - در واقع آن شمای کلی و عمومی تعداد زیادی از کارخانه ها و بخش های وسیعی از کارگران را بویژه در شرکت ها و کارخانه های بحران زده به نمایش می گذارد که کارگران در آن مراکز ، علی رغم همه ی اعتراضات و مقابله جویی های خویش، نسبت به تعرضات و زیاده خواهی های ذاتی و اجتناب ناپذیر سرمایه داران ،

همچنان در بی حقوقی کامل بسر برده، از خواستها و مطالبات طبقاتی خویش در همه ی عرصه ها محروم می باشند. تا آنجا که قرار دادهای موقت کار، به مثابه قراردادهایی به غایت ضد کارگری و اسارت آور، کماکان به قوت خود باقی مانده است ، حداقل دستمزد کارگران و دستمزد بخشهای وسیعی از آحاد این طبقه، بسیار پایین تر از خط فقر است و تأسف بارتر اینکه ، پرداخت همان دستمزدهای ناچیز نیز به دفعات و گاه برای ماه های متمادی از جانب کارفرمایان و صاحبان سرمایه - اعم از دولتی و خصوصی - به تعویق می افتد و یا اساساً پرداخت نمی شود ، کارگران همچنان دسته دسته و گروه گروه و هر بار به بهانه و نیرنگی ضد کارگری و سرمایه ساخته اخراج و از کار بیکار می شوند و ... که نمونه هایی از این ستمگری و ردالت را آنطور که کارگران ایران برک در گزارش خود نشان داده اند می توان در این کارخانه - و البته بسیاری از کارخانه ها و مراکز که در چنین وضعیتی گرفتار آمده اند - عیناً مشاهده نمود .

کارگران این کارخانه در گزارش خود نوشته اند که : (( در طی یک مدت کوتاه، از ۱۲۰۰ نفر به ۲۷۰ نفر تقلیل پیدا کرده اند و بخش هایی از مطالبات آنان ( بن کارگری ، عیدی و پاداش و ... ) حتی پس از گذشت بیش از چهار سال، هنوز پرداخت نشده و یا بهتر بگوییم از جانب کارفرمایان و متحدین آنان در کارخانه و بیرون از آن ، بالا کشیده شده است. حقوق و مزایای کاری آنان ، برای مدت بیش از پنج ماه پرداخت نشده است و آن زمان هم که کارگران این کارخانه در اردیبهشت ۸۷ به خاطر احقاق حقوق حقه و مسلم خویش، با چند دستگاه اتوبوس، عازم دفتر مرکزی این شرکت در تهران می شوند ، تا " صدای خود را " به قول کارگر نویسنده ی این دردنامه " به گوش صاحبان کارخانجات برسانند ( !!!؟ مگر خود این " صاحبان کارخانجات " ، یا همان سرمایه داران و کارفرمایان و صد البته حامیان و عوامل آنان در نهاد ها و ارگانه های دولتی نیستند که مسبب و عامل همه ی بدبختی ها و سیاه روزی های طبقه ی کارگر در این نظام به شمار می روند؟ رساندن صدای کارگران ، به گوش ناشنوی آن زلو صفتان ، چه معنا و مفهومی می تواند داشته باشد ؟ ) ، تا " حداقل، همین حقوق ( بخورونمیر ) را نیز از آنها دریغ نکنند " !!! " ولی در کمال ناباوری !!! ( کمال ناباوری ؟ ) پس از بازگشت از تهران، حدود ۲۰ نفر دیگر از پرسنل قراردادی را ، به دلیل اینکه چرا به تهران رفته اید اخراج می نمایند. " ( که همین مسئله ظاهراً فریاد آمیخته با تعجب و حیرت کارگران این کارخانه را ، در گزارش آن ها ، بر می انگیزد که : " جالب این است که هیچ کس به فریاد آنها و خانواده های دردمندشان نرسید و هیچ فریاد رسی نیست تا به داد این ضعیف ترین قشر های جامعه ( کارگران ) برسد. " !!! و فاجعه بارتر از همه اینکه : " اکنون کارگران ایران برک، چه شاغل و چه بازنشسته، چشم امید به دستان صاحبان سرمایه دار بی درد بسته اند و .... "

این ها - و بسیاری دیگر - تازه ، درد دل کارگرانی است که به سهم خویش و در حد توان ، همواره پیگیر حقوق و مطالبات حقه ی خویش در این کارخانه بوده اند و در قبال این حقوق و مطالبات و تعرض سرمایه به آن ها ، کمتر از

خود بی تفاوتی و لاقیدی نشان داده اند. و " تو خود حدیث مفصل بخوان از این مجمل " .

چه باید کرد؟ و کارگران چگونه و از چه راه هایی می توانند خود را از جهنم موجود ، که صاحبان و حاکمان سرمایه ، به مثابه یک طبقه ، برای آنان مهیا دیده اند ، برهانند و به حقوق و مطالبات انسانی و بر حق خویش در همه ی عرصه ها ، دست یابند؟ پاسخ به این سئوالات ، البته خیلی پیچیده و ناروشن نیست . اما قبل از آن لازم است به این پرسش ها پاسخ داده شود که : علت بدبختی و سیه روزی کارگران در چیست؟ و چرا این طبقه ، به عنوان طبقه ای که همه ی ثروت و رفاه را برای بشریت تولید می کند ، باید تا به این حد تحت ستم و استثمار بوده و تا به این اندازه ، به فقر و تباهی کشیده شود ؟

پاسخ به این پرسش ها را البته تنها می توان در ماهیت وجودی نظام سرمایه داری و ساختار ضد کارگری و طبقاتی این نظام ، به مثابه نظامی مبتنی بر نابرابری و استثمار جستجو نمود و بر آن تأکید ورزید. در یک چنین نظامی، طبقه سرمایه دار ، به یمن تملک بر ابزار و وسایل تولید و به اعتبار ، موقعیت طبقاتی مسلط خود در سازمان اقتصادی و سیاسی جامعه و به طور مشخص دولت ، کارگران را به بردگی مزدی می کشاند و با ایجاد زمینه های مساعد ، به شدیدترین و بی رحمانه ترین شکل ممکن، مورد بهره کشی و استثمار قرار می دهد و به فقر و بی حقوقی مطلق می کشاند . سرمایه دار ، نیروی کارکارگر را طی قرار دادی یکجانبه و نابرابر، در قبال حداقل دستمزد، به خدمت می گیرد و کارگر نیز، طی همان قرارداد تحمیلی، مجبور به فروش آن ( فروش نیروی کار خویش ) در ازای مزدی ناچیز می شود. در این به اصطلاح معامله یا قرارداد ، دست سرمایه دار ، از هر نظر برای تحمیل شرایط مورد نظر خویش به کارگر ، باز است . تا آن جا که می تواند - البته به دلیل همان تسلط طبقاتی ناشی از مالکیت بر ابزار تولید - پیش شرط های خود را به راحتی به کارگر ، تحمیل کند و در صورت امتناع او نیز ، از استخدام یا پذیرش وی خوداری نماید . و حال آنکه کارگر به هیچ وجه قدرت مانور ندارد و مجبور است که به دلیل برخی تنگناهای اقتصادی و فشار های ناشی از در به دری و بیکاری ، تقریباً همه ی شرط و شروط صاحبان سرمایه را بپذیرد و تحت شرایط و ضوابط مورد نظر کارفرما ، به کار مشغول شود . در این به اصطلاح معامله، کارگر قرار است که کار کند و اضافه ارزش تولید نماید و سرمایه دار نیز از قیل کار او، سرمایه انباشت کند و سود ببرد. چرا که کارگر، از چشم سرمایه دار و از زاویه ی نگاه او، تنها بخشی از ابزار تولید است که باید به بالاترین حد ممکن از او کار کشید و از نیروی کار و توانایی های او، در جهت سوداندوزی و انباشت سرمایه بهره جست . این در واقع ، عین رابطه ی کارگر و سرمایه دار و تنها دلیل این رابطه را در نظام سرمایه داری توضیح می دهد و در عین حال، پایه و مبنای همه ی اختلافات و تضاد های آشتی ناپذیر و طبقاتی میان این دو طبقه نیز به شمار می رود ، که براساس آن، یک طرف ( کارگر ) ، باید صرفاً و تا آنجا که ممکن است کار کند و طرف دیگر ( سرمایه دار ) سود و سرمایه انباشت نماید .

این ، همان منطق نظام سرمایه داری و جزئی از ماهیت وجودی این نظام است که به موجب آن کارگر هر چه بیشتر و شدیدتر کار کند، سود و سرمایه ی بیشتری نصیب سرمایه دار می شود . لذا ، بر اساس این منطق ، سرمایه دار لزومی نمی بیند که از منفعت خویش، در قبال حقوق و منافع کارگران ، چشم پوشی نماید و به خواستها و مطالبات آنان ، در زمینه ها و ابعاد مختلف - مگر به قدرت اتحاد و مبارزه ی کارگران و مقابله جویی یکپارچه و هماهنگ آنان - گردن نهد . بنا بر این سرمایه دار به صرف اینکه صاحب سرمایه است، نمی تواند که با حقوق و منافع کارگر همسویی داشته باشد و با آنها هماهنگی و همدلی نشان دهد. زیرا براساس آنچه گفته شد، در مناسبات اساساً متضاد و طبقاتی میان این دو طبقه، کسب هر ذره منفعت از جانب طبقه ی کارگر ، به همان نسبت از منافع طبقه ی سرمایه دار می کاهد و در مرتبه ی نخست ، آن طبقه را متضرر می سازد . بنا بر این ، برای طبقه ی سرمایه دار، به خاطر اینکه منافع خود را ( انباشت سرمایه و کسب سودهای کلان و نجومی ) به حد اکثر ممکن تأمین نماید ، هیچ راهی جز تشدید فشار به طبقه ی کارگر و استثمار هر چه شدید تر و بی رحمانه تر این طبقه، باقی نمی ماند و ...

اینها البته توضیح و اوضاحت است که ما به ناگزیر آن را در مقابل این نقطه نظر و این عبارت از گزارش کارگران که : "... و اکنون ، کارگران ایران برک، چه شاعل و چه بازنشسته، چشم امید به دستان صاحبان سرمایه داری بی درد ( سرمایه داران بی درد ) بسته اند ... " می آوریم که : سرمایه داری ، اگر به معنی واقعی " سرمایه داری " است و اگر " بی درد " ، دیگر چرا باید به فکر حقوق و منافع کارگران رنج کشیده و دردمند باشد؟ و به آن حقوق و آن منافع توجه و دلسوزی نشان دهد ؟ اساس و بنیاد نظام سرمایه داری ، بر استثمار و بهره کشی هر چه شدید تر از کارگران بنا نهاده شده است و چرخ آن، بر خانه خرابی و سیه روزی روز افزون طبقه ی کارگر می چرخد . لذا چرا باید به آن و حامیان آن چشم امید بست ؟ و به لطف و کرم نداشته اش امیدوار بود ؟ سرمایه داران به خون کارگران تشنه اند و ..... بی جهت نیست، که سرمایه داران " بی درد " و نهادهای دولتی حامی آن ها ، از هیچ کوششی در جهت فشار به کارگران و تضییع حقوق آنان ، برای بهره کشی هر چه بیشتر و شدیدتر از این طبقه ، فروگذار نمی کنند و حتی از سفره ی خالی کارگران نیز، در راستای تأمین منافع خویش، در نمی گذرند .

لذا در پاسخ به آن پرسش اساسی که چه باید کرد؟ و کارگران چگونه و از چه راه هایی می توانند از چنین وضعیت فلاکت بار و غیر قابل تحملی که سرمایه داران - اعم از بخش خصوصی و دولتی آن - برای طبقه کارگر مهیا نموده اند، خلاصی یابند؟ می توان گفت که : قبل از هر چیز ، کارگران باید بپذیرند که هم براساس منطق حاکم بر نظام سرمایه داری و پایه های عمیقاً متضاد آن - که مختصراً به آن اشاره شد - و هم به موجب انبوهی از واقعیت های عریان و انکارناپذیر، از ستم و استثمار سرمایه ، علیه کارگران، که پیوسته تشدید شده و هر بار، بخش های وسیع تری از کارگران را به خانه خرابی و در به دری می کشاند و همچنین ، با توجه به آشکال عمدتاً

پراکنده، منفرد و غیر مؤثر مبارزه ی کارگران با صاحبان سرمایه ، که هیچ نوعی جز ناامیدی و یأس برای کارگران در بر نداشته است و ... برای طبقه ی کارگر به ویژه در شرایط موجود ، راهی جز مقاومت متشکل و سازمان یافته در مقابل سرمایه داران، در همه ی عرصه های مبارزه ی طبقاتی، جهت تغییر مراحل مبارزه، از مرحله ی تدافعی، به مرحله ی تعرضی آن، باقی نمی ماند.

کارگران اگر می خواهند که از اوضاع بغایت نابرابر و ذلت بار موجود، نجات یابند و از یک زندگی در خور انسان بهره مند شوند می بایست عمیقاً و به شکل غیر قابل تردیدی، باور کنند که راه نجات این طبقه و همه ی توده های مردم محروم و تحت ستم ، از گنداب متعفن سرمایه و فقر و فلاکتی که این نظام ( نظام سرمایه داری ) به آنان ارزانی داشته است، تنها و تنها از کانال یک مبارزه ی آشتی ناپذیر ، همه جانبه و متشکل طبقاتی، با سرمایه داران، به مثابه ی یک طبقه ، می گذرد و نه هیچ راه و مسیر دیگری . هر گونه ماشاات و توهم پراکنی، در خصوص سازش و همکاری طبقاتی، با هر توجیه و بهانه ای، مثلاً برانگیختن حس شفقت آحادی از این طبقه و در این رابطه ، کسب به اصطلاح برخی امتیازات از آنان و ... جز به بیراهه کشاندن مسیر حرکت رهایی بخش طبقه ی کارگر، از اهداف اصلی و اساسی جنبش کارگری و سوق دادن این طبقه، به اسارت همیشگی و پایان ناپذیر بردگی مزدی، هیچ چیز دیگر، عاید کارگران نخواهد کرد.

آری، کارگران لازم است که همواره برای پاسخگویی صحیح و اصولی به پرسش چه باید کرد؟ این نوع نگاه و این طرز تلقی را که : برای رهایی از مصائب و رنج و نکبت جوامع سرمایه داری و استثمار بی رحمانه صاحبان سرمایه، علیه کارگران، راهی جز مبارزه ی متحد، متشکل و قدرتمندانه ی طبقه ی کارگر با سرمایه داران و حامیان آنان، وجود ندارد، به عنوان تنها تلقی درست و تنها پاسخ منطقی و اصولی به پرسش یاد شده، در سر لوحه ی همه ی فعالیت های نظری و عملی خویش، در جنبش کارگری قرار داده و عملکرد های خود را در این رابطه و در هر مرحله از پیش روی جنبش کارگری ، با آن تبیین و تنظیم نمایند . "چشم امید بستن به دستان " ناپاک و آغشته به خون" صاحبان سرمایه داری بی درد " آنگونه که کارگران کارخانه ی ایران برک، در " درنامه ی " خویش، مطرح نموده اند ، نه تنها هیچ معضلی از معضلات طبقه ی کارگر را حل نمی کند ، بلکه روز به روز بر انبوه مشکلات این طبقه و شدت وحدت آن ها می افزاید و در بهترین و خوشبینانه ترین حالت ، آحاد و بخش هایی از این طبقه را مأیوس و سرخورده، به تمکین و رضا، در مقابل فشارها و تضییقات حاکمان سرمایه خواهد کشاند.

حال در جواب به این مسئله و این پرسش ، که کارگر ، با فرض پذیرش این مهم و این باور ، در مجموعه ی رفتار ها و فعالیت های خود در جنبش کارگری ، برای احقاق حقوق و مطالبات خویش ، چگونه و از چه راه هایی می تواند - به ویژه در شرایط حاضر، که طبقه کارگر، از پراکندگی و عدم انسجام برای پیگیری و تحقق خواستهای طبقاتی خود، در همه ی عرصه ها رنج می برد - گام های مؤثری به جلو برداشته و در جهت سازمان یابی مستقل و توده ای کارگران، به مثابه تبلوری از اتحاد و همبستگی

طبقاتی طبقه ی کارگر حرکت نماید نیز باید گفت که : در این رابطه، کارگران می توانند و باید با تجهیز خود به دانش و آگاهی طبقاتی ، به هر طریق ممکن و تلاش در این راستا - که در واقع ماحصل و تجربه ی مبارزاتی نسل های مختلف این طبقه ، در طول مدت پیدایی و موجودیت آن ، تا به امروز می باشد - ضمن افشای تمامی ترفندها و فریبکاری های صاحبان سرمایه و خنثی نمودن خدعه های رنگارنگ آنان، همزمان، دست به کار ایجاد تشکل های مستقل، توده ای، و طبقاتی کارگران ( تشکل هایی که مستقل از دولت و کارفرمایان ، تنها با اتکا به نیرو و توان خود کارگران، از پایین تشکیل می شود و کلیه ی تصمیمات و عملکرد های آن نیز، در طول مدت برپایی این تشکل ، از طریق خود کارگران و با اعمال اراده ی مستقیم و بلافصل آنان ، اتخاذ و به مرحله ی اجرا گذاشته می شود ) در محیط های کار و زندگی خویش شده و در فرصت های مناسب، این گونه تشکل ها را پایه ریزی و ایجاد نمایند.

این مهم ، ( ایجاد تشکل های مستقل و طبقاتی کارگران ) ، علی رغم همه ی موانع و مشکلاتی که در سر راه تحقق آنها وجود دارد، البته امر خیلی پیچیده و غیر قابل دسترسی نخواهد بود. بدین نحو که : کارگران پیشرو و آگاه - آنان که به ضرورت ایجاد تشکل های کارگری و ارتباط هر چه گسترده تر میان آن تشکل ها، به منظور تقویت اتحاد و همبستگی طبقاتی کارگران ، به مثابه گامی مهم و اساسی در راه پیشروی این طبقه ، به سوی تحقق خواست های کارگری و طبقاتی خویش واقفند - می توانند، پس از ایجاد زمینه های لازم در میان کارگران ، در مراکز کار و تولید ، به ویژه در محیط هایی که کم و بیش استعداد پذیرش این مسئله ( تشکل یابی کارگران ) در آنجا و در میان کارگران آن مراکز وجود دارد، تشکیل این گونه تشکل ها را در فرصت های مناسب اعلام نموده و ضمن ایجاد ارتباط با دیگر تشکل های کارگری و فعالین و رهبران عملی کارگران ، در کارخانه ها و محیط های کار و تولید ، و کمک به همبستگی طبقاتی میان طبقه ی کارگر ، رو در رو با عوامل و صاحبان سرمایه ، به طرح و تعقیب مطالبات طبقاتی کارگران، در زمینه های مختلف ، به شکلی متشکل تر و گسترده تر اقدام نمایند . و در هر کجا نیز که زمینه و استعداد پذیرش این مهم، تا آن زمان در میان کارگران فراهم نشده است ، با تشکیل جمع ها و هسته هایی، از کارگران فعال و مورد اعتماد ، ضمن ارزیابی از وضعیت کارگران آن کارخانه و توازن قوای موجود در آن مرکز تولیدی و کارگری و همچنین رعایت برخی جنبه های امنیتی کار ، به هر شکل که خود صلاح می دانند به هدایت و سازمان دهی مبارزات جاری در آن کارخانه ، جهت رودررویی هر چه متشکل تر و اصولی تر با کارفرمایان و عوامل آنان در کارخانه همت گمارده ، مجموعه مسائل و موضوعات مطروحه در آن مرکز را ، از افشا سیاست ها و ترفندهای مکارانه صاحبان سرمایه، برای ایجاد تفرقه درمیان کارگران گرفته ، تا سازمان دهی یک اعتصاب معین کارگری و یا جمع آوری کمک مالی برای کارگران اعتصابی و خانواده های آنان و . . . رهبری نمایند . کارگران همچنین می توانند پس از طی این مراحل و ایجاد زمینه های لازم برای تشکل یابی گسترده

تر در میان کارگران این کارخانه ، گام های بعدی کار را ، برای ایجاد ارتباط و هماهنگی های لازم با دیگر مراکز کارگری و فعالین سرشناس و پیشرو این جنبش فراهم نموده ، زمینه های لازم را برای ایجاد تشکل های مستقل و طبقاتی کارگران ، در ابعادی گسترده و سراسری مهیا نمایند .

به هر حال ، امر سازمان یابی و تشکل پذیری کارگران ، در ابعادی گسترده و سراسری ، از هر مسیری که بگذرد و هر مانعی که در سر راه خود داشته باشد ، امروزه به یکی از مهم ترین و کلیدی ترین مسئله ی جنبش کارگری تبدیل شده است . تا آنجا که به جرأت می توان گفت که کارگران بدون گذر از این مرحله و غلبه بر پراکندگی ، در مقیاسی سراسری و گسترده ، و در همین رابطه ایجاد تشکل های مستقل ، توده ای و طبقاتی کارگران - که صد البته فرایندی آسان و خودانگیخته نخواهد بود - قادر نخواهند بود گام هایی جدی و تعیین کننده به پیش برداشته و به توانایی های خود به مثابه یک طبقه ، باور کنند .

کارگران به حکم موقعیت فرودست و استثمار شونده ی خود در نظام سرمایه داری ، همواره به شکل اجتناب ناپذیری رو در روی طبقه ی سرمایه دار ، به عنوان طبقه ی حاکم و استثمارگر در جامعه قرار داشته و باز هم به حکم همین رو در رویی و جدال ، بیش از هر قشر و طبقه ای ، تلخی و دلمردگی ناشی از شکست و ناکامی اعتراضات و مقاومت های پراکنده و منفرد بخش ها و گروه های جداگانه ی این طبقه را ، در دفاع از خواست ها و مطالبات خویش ، حتی در سطوح اقتصادی ، درک می کنند . کارگران با پوست و گوشت خود احساس می کنند که سرمایه داران ، به مثابه یک طبقه ، متشکل و متحدند و در شرایط موجود قدرت و توانایی مقابله با اعتراضات پراکنده و ناهماهنگ کارگران را در دفاع از خواست ها و مطالبات این طبقه دارا می باشند . آنان می بینند که صاحبان سرمایه در واقع با در اختیار گرفتن وسائل و امکانات لازم ، جهت ترویج و اشاعه ی تسلیم پذیری و سازش طبقاتی در میان این طبقه و همچنین با در دست داشتن دولت ، به منزله ی قوه ی قهریه و ابزار سرکوب طبقاتی ( ارتش ، پلیس ، محاکم و زندان ها و ... ) همه ی مساعی خود را به کار می برند ، تا شرایط را بیش از پیش برای بهره کشی از کارگران و تعرض به حقوق و منافع آنان فراهم نمایند . کارگران ، خود ، درک می کنند که رو در روی طبقه ای ریاکار ، سودجو و آگاه به منافع طبقاتی خویش قرار گرفته اند که در جهت انباشت هر چه بیش تر سرمایه و تأمین حداکثر سود ، از هیچ رذالتی در حق کارگران فروگذار نخواهد کرد و در مواقع لزوم ، از همه ی توانمندی ها و قدرت طبقاتی خویش ، برای گمراه کردن کارگران و به انقیاد کشیدن طبقه ی کارگر ، نهایت بهره برداری را خواهد نمود .

لذا کارگران نیز می بایست از جمیع جهات ، به ویژه از نظر کسب آگاهی های طبقاتی و ایجاد تشکل های مستقل ، توده ای و طبقاتی کارگران ، حتی المقدور ، به شکلی آگاهانه و سازمان یافته ، خود را برای رو در رویی اجتناب ناپذیر با طبقه ی سرمایه دار ، در همه ی عرصه ها ، آماده نمایند . کارگران می بایست به قدرت و توانایی

های خویش به مثابه یک طبقه ، آگاه شوند و بدانند که اگر تنها برای لحظاتی اراده کنند و دست از کار بکشند ، چرخ گیتی از حرکت باز خواهد ایستاد . لذا این تفکر ، یا به قول نویسندگان " درنامه " این داستان ، که " هیچ فریادرسی نیست ، تا به داد این ضعیف ترین قشر های جامعه ( کارگران ) برسد " باید به عنوان تفکری نادرست و داستانی غیرواقعی ، برای همیشه از شرایط کار و زندگی کارگران ، و همچنین اذهان تک تک آحاد این طبقه رخت بریندد . کارگران در حقیقت نه " قشری ضعیف " ، که طبقه ای عظیم و قدرتمندند که اگر متشکل شوند و به قدرت طبقاتی و توانایی های حقیقی و بالفعل خویش پی ببرند ، به طور قطع قادر خواهند بود تا - به ویژه به دلیل موقعیت منحصر به فرد و تعیین کننده ی خویش در پروسه ی تولید - ضمن حضوری مؤثر و قدرتمند در پهنه ی مبارزه ی طبقاتی و به عقب راندن صاحبان و حاکمان سرمایه در بسیاری از عرصه ها ، در نهایت شر طبقه ی سرمایه دار را برای همیشه از سر طبقه ی کارگر ، کوتاه نمایند .

این خود واقعیتی است که گام برداشتن در راستای چنین اهدافی و نزدیک شدن به آن حتی ، بدون غلبه بر ناآگاهی و پراکندگی بخش های هر چه وسیع تری از کارگران و تلاش در جهت پیوند دادن آن بخش ها به یکدیگر میسر نخواهد شد . و این مهم نیز تحقق نمی پذیرد ، مگر از طریق ایجاد تشکل های مستقل ، توده ای و طبقاتی کارگران ، در مراکز و محیط های کار و تولید و تقویت اتحاد و همبستگی طبقاتی در میان این طبقه . طبقه ی کارگر ، به ویژه در شرایط کنونی بیش از هر زمان دیگر به آگاهی طبقاتی و اعمال اراده ی مستقل و متشکل خویش ، برای مبارزه با استثمار و درنده خویی گاه عریان و گاه بزک شده ی سرمایه نیاز مند است . این البته حرف درستی است که : " کارگران متشکل همه چیز - و کارگران متفرق و پراکنده ، هیچ چیز " .

پس پیش به سوی ایجاد تشکل های مستقل ، توده ای و طبقاتی کارگران ، با اتکا به نیرو و اعمال اراده ی مستقیم خود آنان .

**پس پیش به سوی ایجاد تشکل های مستقل ، توده ای و طبقاتی کارگران ، با اتکا به نیرو و اعمال اراده ی مستقیم خود آنان .**

**کارگران جهان متحد**

**شويد !**

## تراژدی بی پایان رنج

در روزنامه شرق به تاریخ ۱۳۸۶/۴/۲۵ معاون حوزه روابط کار و امور اجتماعی، تعداد کارگرانی را که در سال ۸۵ قربانی سوانح در محیط های کاری شده اند ۱۰۴۷ نفر اعلام نموده، یعنی به طور متوسط روزی ۳ کارگر قربانی این اتفاقات شده اند. از نادرست بودن آمارها که بگذریم (که ویژگی عمومی تمامی آمارهای رسمی در ایران است) و نیز از اینکه در طول این چند سال به دلیل فشارهای شدید اقتصادی از جمله پایین بودن دستمزدها نسبت به تورم بالا رونده و بالا رفتن نرخ بیکاری، آمار این سوانح هم به شدت بالا رفته است اسفبار تر از همه این است که در این میان ۱۰۴۷ خانواده کارگری در معرض کامل این تراژدی های بی پایان قرار میگیرند و اگر جمعیت خانواده های کارگری را به طور میانگین ۴/۵ نفر حساب کنیم جمعیتی که در طول یک سال از این حوادث متأثر شده اند چیزی بالغ بر ۴۷۱۱ نفر می باشند.

این تنها آماری است که بر اساس گفته ها و شواهد ارائه شده رسمی از طرف دولت در آن مقطع زمانی، به دست آمده و نیز تنها مربوط به حوادثی میباشد که به دلیل وسعت حادثه و یا مهم بودن مرکز تولیدی ساخته دیده، بازتاب سراسری و یا حتی بین المللی داشته است. چه بسا حوادث و اتفاقاتی که در مراکز کارگری کوچک (کارگاههای زیر ۱۰ نفر که چیزی بیش از ۴۵ درصد کارگران ایران را در خود جای داده است) روی میدهد و اما به دلیل خارج بودن از شمول قانون کار و طرد شدن از کوچکترین حقوق انسانی، در این آمارهای رسمی بازتابی ندارند.

کارگاههای قالی و گلیم بافی و نیز کارگاههای آجرپزی و صدها کارگاه زیرزمینی و مخفی دیگر که دور از نظارت عمومی و رسمی و در مکان هایی پرت و دور افتاده در سراسر ایران در شاق ترین شرایط (که بعضاً حتی رسانه های گروهی در ایران را به واکنش و نیز انعکاس ناقص وضعیت مذکور وا میدارد) کارگران زیادی را در خود جای داده اند و به صورت خزنده و نامرئی در حال مکیدن شیره های روح و جان کارگران این واحدها میباشد در این آمارها نشانی از آنها نیست. کارگران در این مکانهای تولیدی جهنمی بعد از سالها کار کردن و جان دادن پشت دستگاههای فرسوده و در زیرزمینهای نمور و تاریک و بعد از آنکه شیره جان آنها خشکیده شد از طرف کارفرماها مانند تقاله ای بی مصرف به بیرون پرت می شوند و هیچ مرجع رسمی برای نظارت بر این اعمال غیر انسانی وجود ندارد.

آیا سوانح کارگری برای ما فقط به این معنا باید باشد که حادثه مشخصی در زمان معین روی بدهد و در آمارهای رسمی ثبت گردد؟ آیا از بین رفتن تدریجی توش و توان جسمی و روحی کارگران در شرایط غیر انسانی و شاق کارگاههای خارج از شمول قانون کار نمی تواند به عنوان سانه ای درازمدت که در تمام طول عمر کارگران، هرروزه در حال رخ دادن است مورد توجه قرار گیرد؟

از این خصیصه ی عمومی که بگذریم در شرایطی که قراردادهای کار موقت و نیز خارج شدن بیش از ۵۰ درصد کارگران از نظارت قانون کار و بی حقوقی مفرط کارگران از هر گونه خواسته انسانی، می رود تا آخرین رمقهای طبقه کارگر ایران را بگیرد و در شرایط گرانی و تورم به بار آمده ناشی از سیاستهای خصمانه جمهوری اسلامی برای پیوستن به بازار جهانی و باز تولید سرمایه داری ایران، و در شرایطی که بیش از ۸۵ درصد طبقه زحمتکش جامعه در پایین خط فقر زندگی خود را می گذرانند، پیشامد چنین حوادث تلخی (سوختن کارگران کیمیا گستر در داخل کارخانه، زنده به گور شدن کارگران معدن در سمنان، زنده بگور شدن کارگران ساختمانی در تهران در جریان دو حادثه مشابه و نیز هزاران سانه دیگر از این دست... ) خانواده کارگران را با شرایطی سخت و اسفبار روبرو می سازد شاید به جرات بتوان گفت که فقر و فحشاء، اعتیاد و به دنبال آن از هم پاشیدن خانواده ها از جمله عوارض و نتایج آشکار این حوادث باشد.

بالا رفتن آمار مربوط به این معضلات اجتماعی دیگر چیزی نیست که دولت بتواند آن را به سادگی پنهان دارد یا منکر آن گردد در نهایت تنها کاری که می تواند با آن انجام دهد تحریف آمارها می تواند باشد.

حال در چنین وضعیتی که هر روزه چندین خانواده کارگری قربانی نفع پرستی و میل به انباشت بیشتر سرمایه داران و کارفرمایان می شوند، دولت نه تنها قرار نیست که باری از دوش بازماندگان این سوانح بردارد بلکه با تمام توان سعی می نماید که هر چه بیشتر شانه ی خود را از زیر بار مسئولیت پیش آمده خالی نماید و مقصر اصلی را خود کارگران معرفی نماید و در این میان رسانه ی ملی به خوبی هر چه تمام تر رسالت دولت را به پیش می برد.

اخیراً رسانه مذکور به محض وقوع هر حادثه ای که در محیط کاری روی می دهد الساعه دست به ساختن انیمیشن هایی می زند که در آن کارگران انسانهایی هیولا مانند و یا بسیار ابله جلوه می نمایند که توان تشخیص موقعیت ها و شرایط خطرناک در محیط کار را نداشته و گوش شان به هیچ توصیه ای بدهکار نیست و همیشه توصیه های آقا مهندس و یا سرکارگر با تجربه را به مسخره میگیرند و در نهایت به دلیل اینکه وظیفه حلقه به گوشی خود را به درستی انجام نمی دهند!!! حادثه روی می دهد و دیگر پشیمانی هم سودی ندارد.

به راستی که در این نظام سرمایه داری «زندگی ارزانتر از نان است» و نان پیدا کردن خود هدفی دست نیافتنی شده است که باید حتی برای آن روح و جان خود را گرو گذاشت.

در اینجا مردم زندگی می کنند تا نانی در بیاورند نه اینکه نانی در آورده تا زندگی کنند، به راستی که جامعه سرمایه داری بر روی سر ایستاده است و اکنون فرصت آن است که بروی پا بایستند.

به عنوان یک داور منصف آیا اگر در محیط های کاری و سایل ایمنی کافی فراهم شود کارگران درک استفاده از آن را ندارند؟ آیا اگر در این محیط ها، قانونی در حمایت از کارگران در جهت تامین امنیت جانی یا بهداشتی آنها وجود داشته باشد این کارگران از اجرای آن سر باز خواهند زد و آن را نادیده می انگارند؟ در این شکی نیست که برای

**گزارش شرکت نمایندگان کمیته ی هماهنگی برای کمک به  
ایجاد تشکل های کارگری در چهارمین کنفرانس بین  
المللی اتحادیه های کارگری**



در نیمه ماه مه ۲۰۰۸، با دریافت دعوت نامه ای از اتحادیه کارگران انقلابی ترکیه - DISK - برای شرکت در کنفرانس آن اتحادیه، تحت عنوان، "کنفرانس بین المللی اتحادیه های کارگری" که با حضور نمایندگان کارگری ۱۴ کشور برگزار شد شرکت نمودیم. ما در ابتدا اطلاعات زیادی درباره سابقه برگزاری کنفرانس های پیشین را نداشتیم؛ اما به جهت میزبانی آن از سوی DISK و ضرورت تقویت ارتباط با کارگران غیر ایرانی و ایجاد همبستگی با بخشی از کارگران سازمان یافته و نیز تجربه شرکت در مجامع بین المللی و کنفرانس هایی که ابزار دست سرمایه داری برای مهار جنبش و مبارزه کارگران نیستند؛ ما را به شرکت در کنفرانس مصمم کرد.

**درک ما از تشکل های موجود و حضور در کنفرانس ؛**

واقعیت این است که ماهیت سندیکالیسم و اتحادیه گرایی و سازش این گونه تشکل ها با سرمایه داری که منجر به ممانشات و قربانی کردن طبقه کارگر در مسلخ سرمایه شده اند ؛ برای کارگران و فعالین کارگری در ایران شناخته شده است. بر این اساس است که، کارگران و فعالین این جنبش، در راستای ایجاد تشکل های کارگری به نیروی خود آنان و با افق و دور نمای الغاء تمامی مناسبات استثمارگرانه بورژوازی و هژمونی واقعی این طبقه، در این راه قدم بر داشته اند؛ مناسباتی که دستاورد آن کالا شدن انسان و بردگی مزدی است. با علم به این مهم، باید با اتکا به نیروی طبقاتی کارگران علیه سرمایه متشکل شد و در قامت طبقه ای جهانی به مصاف طبقه سرمایه دار در ابعاد جهانی رفت. جنبش کارگری و فعالین این جنبش سالهاست که نه تنها تشکل های وابسته و در خدمت سرمایه داری را به نقد کشیده اند، بلکه گام های عملی ای برای سازمان دهی و کمک به سازمان یابی کارگران به نیروی خود آنان، علیه سرمایه برداشته اند. و ما در واقع با این درک از تشکل های کارگری و انواع تشکل های موجود در اشکال متنوع خود و شناخت طبقاتی از مبارزات کارگران ایران، بر آن شدیم که در آن کنفرانس حضور یابیم.

استفاده درست از این وسایل ایمنی و حتی آگاهی یافتن از قوانین مربوط به تامین جانی باید کارگران آموزش داده شوند اما بین این آگاهی و آموزش دادن آنها تا آموزشی که قرار است جهت رفع مسئولیت دولت و کارفرما ارائه شود فاصله از زمین تا آسمان است.

هر کارگر باید در هنگام ورود به هر شغلی از خطرات مربوط به آن شغل که وجود انسانی وی را تهدید میکند آگاه گردد و با استفاده درست از وسایل ایمنی موجود آشنا شود اما قبل از و اساسی تر از همه این است که کارگر مذکور باید در بدو کار زیر پوشش بیمه درمانی و بیمه عمر قرار گیرد. باید قوانینی در حمایت از کارگران در محیط های کارگری باشد تا در مواقع حادثه فشار ایجاد شده بر کارگران و خانواده هایشان به حداقل برسد.

دولتی که خود حامی و پشتیبان سرمایه داری ملی و جهانی است و در جهت مهیا ساختن زمینه و بستر برای سود آوری بیشتر طبقه سرمایه دار گام بر میدارد به خودی خود هیچ تمایلی به تصویب کوچکترین قانونی در زمینه حمایت از کارگران نداشته و حتی تصویب قانون کار فعلی پس از سالها مقاومت طبقه کارگر ایران نه در راستای حمایت از طبقه زحمتکش جامعه که در جهت نشان دادن چراغ سبزی به سرمایه داری بین المللی و داخلی بود هر چند در این راه طبقه کارگر توانست با مقاومت دلیرانه خود و فعالینش عقب نشینی هایی را به دولت تحمیل نماید و دستاوردهایی برای خود داشته باشد اما اکنون دولت پس از سالها همچنان با نادیده گرفتن همین قوانین نیم بند سعی در باز پس گیری دستاورد های چند ساله ی کارگران دارد و هر از چند گاهی آوای اصلاح قانون کار را سر می دهد ( نمونه اش همین خارج نمودن کارگاه های زیر ۱۰ نفر از شمول قانون کار بود ).

بنابراین ضروری است که فعالین کارگری در جریان مبارزه خود برای متشکل ساختن طبقه کارگر ایران حول خواسته های مشترک شان، خواست و مطالبه تامین امنیت جانی و بهداشت محیط کار و زیست را در کنار مطالبه تامین بیمه های بیکاری و عمر و امنیت شغلی مطرح ساخته و به این امر مهم و حیاتی توجه بیشتری را مبذول دارند. کارگران برای ادامه حیات انسانی و شایسته خود نه تنها نیازمند دستمزد بالاتر جهت داشتن زندگی مرفه و انسانی هستند بلکه باید در محیط های کاری و شغلی از امنیت جانی و نیز از حداکثر مسائل بهداشتی برخوردار باشند. تنها با درس لرجه قرار دادن این مطالبات در جریان مبارزه است که می شود دولت حامی سرمایه را مجبور به عقب نشینی در این زمینه ها نمود. و این مهم متحقق نخواهد شد الا با نیروی متشکل خود کارگران،

بنابر این :

**پیش به سوی ایجاد تشکلهای مستقل کارگری به نیروی  
خود کارگران .**

**زنده باد همبستگی طبقاتی کارگران  
بهنام کارگر  
۱۳۸۷/۷/۲**



## گزارش کنفرانس ؛

چهارمین کنفرانس بین المللی اتحادیه های کارگری در يك مجتمع تفریحی متعلق به DISK در شهر Gonen ترکیه با حضور ۲۰۰ نفر از ۱۴ کشور و با شعار " کارگران و مردم ستمدیده ی جهان متحد شوید " برگزار شد.

در بیانیه آغازین کنفرانس آمده بود " سرمایه جهانی و دولت های سرمایه داری در بیست سال گذشت ، با تبلیغات همه جانبه جهانی سازی ، تهاجم وسیعی را در مقیاس جهانی علیه کارگران آغاز کرده اند. این تهاجم از گسترش خصوصی سازی ها تا کارهای انعطاف پذیر ، از افزایش ساعات کار ، تا قراردادهای موقت و حتی آزادی و حقوق دموکراتیک را نیز در برگرفته است. واقعیت تلخ قضیه آن است ، که این تهاجمات از سوی کارگران و اتحادیه ها و سندیکاها پاسخی نگرفته است. موقعیت کنونی کارگران جهان ، پراکندگی و سازمان نیافتگی آنان و وجود اتحادیه های ضعیف ، بی ثبات ، کم توان و بی اعتماد باعث گردیده که دولت های بورژوازی از محافظه کار تا سوسیال دمکرات ، بدون هیچ اختلافی از هیچ تلاشی برای اعمال برنامه های تجاوزکارانه سرمایه داری فروگذار نکرده اند " این اوضاع به روشنی بیانگر آن است که به منظور دفع حملات اقتصادی - اجتماعی سرمایه و دولت هایشان ، حمایت و صیانت از حقوق و آزادی های دموکراتیک ، توقف جنگ و لشکرکشی توسط دولت های امپریالیستی به رهبری آمریکا و سرانجام تغییر شرایط به نفع نیروی کار ، هیچ گزینه ای جز قدرتمند کردن مبارزات کارگران در درون کشورمان نداریم. به طور طبیعی این کنفرانس ، بدیل و جایگزینی برای اتحادیه های کارگری ، پلاتنفرم و حتی کنفرانس های ویژه در درون کشورها و یا شاخه ها و شعب کارگری ارائه نمی دهد بلکه اساساً برگزاری این کنفرانس بر اساس نیازهای کنکرت و اساسی قرار گرفته و به دنبال پاسخگویی به سوالات زیر است :

- ۱- به مثابه اتحادیه ها و تشکل های کارگری ، چگونه و با چه ساختاری می توان در مقابل حملات همه جانبه سرمایه و دولت هایشان ایستاد و مبارزه کرد ؟
- ۲- چگونه و با چه سیاست و روشی می توان بر ضعف و ناتوانی حاکم بر اکثریت اتحادیه های کارگری فائق آمد ؟
- ۳- چگونه می توان ارتباطات و انتقال تجربیات اتحادیه های بین المللی کارگری را توسعه داد ؟

برای کنفرانس مباحث " حملات سرمایه علیه طبقه کارگر " ، " جنبش کارگری و اتحادیه ها " ، " تشکل یابی ، موانع و تجربیات " و " همبستگی جهانی " در نظر گرفته شده بود. کنفرانس با پیام های اتحادیه cgf فرانسه و اتحادیه کارگران حمل و نقل لندن که نتوانسته بودند نمایندگانشان را به کنفرانس اعزام کنند آغاز شد.

در دو روز برگزاری کنفرانس ، شرکت کنندگان ، در جلسات رسمی و غیر رسمی و در کارگاههای مختلف به

بررسی و تشریح وضعیت جنبش کارگری کشورهای متبوع خود پرداختند و در پایان با تدوین قطعنامه ی پایانی به کار خود پایان دادند. در اینجا به گوشه هایی از سخنرانی ها و اظهارنظر های تعدادی از شرکت کنندگان اشاره می کنیم.

نماینده ای از کارگران صنایع خودرو سازی آلمان بیان داشت : در آلمان و هلند بیش از ۵۰٪ کارگران دارای قراردادهای روزانه و موقت هستند و این امر باعث افزایش رقابت بین کارگران شده . به گونه ای که حتی امکان سازماندهی اعتصاب بسیار کم شده است . وی همچنین از گسترش شمار بیکاران ، خصوصی سازی ها ، افزایش شغل های غیر ثابت و افزایش سن بازنشستگی در آلمان خبر داد.

آنگاه فردی از اکوادور ، به مبارزه مردم کشورش علیه امپریالیسم و سیاست های آن ، اشاره کرد و از همکاری اتحادیه های کارگری اکوادور با مجلس کشورش در تصویب قراردادهای موقت و افزایش ساعات کار سخن گفت.

کارگری از صنایع گاز استانبول گفت " سیستم سرمایه داری اعلام می کند که ایدئولوژی پایان یافته است . اما آنها خود از ایدئولوژی خاصی پیروی می کنند " و سپس به گسترش سیاست های خصوصی سازی در ترکیه و حملات سرمایه علیه معیشت کارگران اعتراض کرد .

سپس فردی از تونس از سیاست های دولت در زمینه خصوصی سازی خدمات پست و تلفن و نیز از گسترش فقر در آن کشور سخن گفت. او تأکید کرد که سرمایه داری نتوانسته پرولتاریای جهانی را قانع کند که دردیف بهترین هاست . او همچنین ضمن بیان این مسئله که فقط ۱۰٪ کارگران تونس سازمان یافته هستند ، بر ضرورت ایجاد تشکل ها و اتحادیه های کارگری جدید و مدرن تأکید نمود. نماینده کارگران مصری نیز به تفصیل از اعتصاب گسترده کارگران " محله " و سرکوب شدید آنان و دستگیریشان توسط پلیس و نیرو های انتظامی مصر سخن گفت.

نماینده ای از کشور اسپانیا نیز ، به تشریح نقش منفی و بازدارنده ی اتحادیه های کارگری و مبارزات کارگران در این کشور پرداخت . و در همین رابطه ، گسترش فضای بی اعتمادی در میان کارگران کشورمتبوع خود را گوشزد نمود.

سپس نماینده " اتحاد کارگران خودسازمانده slai cobas " در ایتالیا ، سیاستهای ضد کارگری دولتهای غربی را تشریح کرد و بیان داشت که اتحادیه های کارگری عضو و همچنین مرتبطین با ILO ، خود ، شریک این دولت ها هستند وی همچنین در رابطه با ضرورت تشکیل يك اتحادیه ی بین المللی ، با سیاست هایی که متکی به نیرو و اراده خود کارگران باشد تأکید نمود .

شرکت کنندگانی از اتریش ، عراق ، هند ، روسیه ، یونان ، قبرس ، انگلیس و نیز اتحادیه های مختلف ترکیه ، هرکدام ، وضعیت جنبش کارگری ، در کشورهایشان را تشریح کردند .

شرکت کنندگان عضو " کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل های کارگری " از ایران نیز ، در کارگاه تبادل

تجربیات جنبش کارگری، به تشریح کامل وضعیت جنبش کارگری در ایران، همت گماردند و به تفصیل، از حملات سرمایه به شرایط کار و معیشت کارگران، عدم امنیت شغلی آنان؛ بی حقوقی و سرکوب خواست ها و مطالبات این طبقه، موانع تشکل یابی کارگران و در همین رابطه، تهدید، اراغاب و دستگیری کارگران و فعالین کارگری و همچنین، مبارزات پیگیر و دلاورانه ی کارگران نیشکر هفت تپه، سخن به میان آوردند. شرکت کنندگان ایرانی کنفرانس، در پایان کار کنفرانس، اشاراتی نیز به مبارزات خستگی ناپذیر کارگران و فعالان کارگری، برای کمک به ایجاد تشکل های کارگری، با اتکا به نیرو و اراده ی خود کارگران و همچنین مبارزات این طبقه، علیه سرمایه داری داشتند.

## " کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل های کارگری "

سپتامبر ۲۰۰۸

### بیانیه پایانی چهارمین کنفرانس بین المللی اتحادیه های کارگری

چهارمین کنفرانس بین المللی اتحادیه های کارگری در ۲۳ تا ۲۵ مه (۲۰۰۸) در گونن ترکیه، با حضور اتحادیه های کارگری و فعالان آن اتحادیه ها، و همچنین کارگران پیشرو ۱۴ کشور، برگزار گردید. در طی دو روز متوالی، کنفرانس، معضلات و مطالبات و تجارب طبقه کارگر و مبارزه اتحادیه ای آنها را واری و ارزیابی نمود. و همچنین این فرصت را فراهم کرد تا به ارزیابی خطوط عمده ی مبارزه و بسیج آن ها، علیه معضلات موجود، پرداخته شود. در مقایسه با دوره های گذشته، تقریباً در همه کشورها، حملات و تعرضات مشابه، به حقوق و منافع کارگران، بیش از پیش موقعیت این طبقه را به مخاطره انداخته و نیاز های مشترکی را در ارتباط با بسط همبستگی بین المللی و مبارزه علیه آن تعرضات، برانگیخته و به ضرورتی حاد، بدل کرده است. خط همکاری و طرفداری از "دیالوگ اجتماعی" در اتحادیه های کارگری، به بن بست رسیده است. در نتیجه ی بحث های عرضه شده در کنفرانس، روشن شد که در سطح جهانی، به طور کلی، سیاست هایی عملی می شود که به خصوصی سازی، فروپاشی خدمات اجتماعی، افزایش کار موقتی، سقوط مداوم دستمزدها و بسیاری حملات دیگر به کارگران منجر خواهد شد. در عین حال، مباحثات کنفرانس روشن کرد که امکان اینکه اتحادیه ها به مراکزی برای مبارزه طبقه کارگر تبدیل شوند وجود دارد. بر اساس آنچه در برخی کشورها تجربه شد و در طول کنفرانس، در اختیار همه قرار گرفت، ما متوجه شدیم که زمینه های مشخصی در همین رابطه و در تأیید این امر وجود دارد. به عنوان مثال تأکید شد که وقتی ما به تکالیف اتحادیه های رزمنده می اندیشیم و به آن باور داریم پس یکی از این تکالیف نیز می تواند عمل کردن به این باورها باشد. در پی حملات ۱۱ سپتامبر، مقوله ای به نام "جنگ علیه ترور"، بدو توسط دولت آمریکا و پس از آن اتحادیه

اروپا، ناتو، و سایر نهادهای سیاسی- نظامی ای که موافق این مقوله بودند ساخته و پرداخته شد و در مرحله ی نخست در اروپا و بعد از آن، در بسیاری از کشورهای دیگر، در را به روی رواج اندیشه ها و اعمال ناسیونالیستی و نژادپرستانه گشود. سرمایه بین المللی در این دوره ناسیونالیسم و نژادپرستی را بکار گرفته است تا دلایل واقعی بیکاری و فقر را پنهان دارد؛ سیاست های ضد دموکراتیک اتخاذ کند؛ و حق حاکمیت ملی دولتها را نقض نماید. ما می خواهیم توجه دهیم که کنفرانس ما با همه اشکال اندیشه ها و اعمال نژادپرستانه، با سیاست های تفرقه اندازانه ای که طبقه کارگر را هدف می گیرد، و با برده ساختن خلق ها و ... مخالف است.

در آسیا و خاورمیانه و اروپای شرقی و آمریکای لاتین، نیروهای امپریالیستی هر شیوه ای را، و از جمله شیوه های نظامی را، بکار می گیرند تا هژمونی خود را تقویت و تضمین نمایند. چنین تحولی منجر به افزایش هر چه بیش تر بودجه ی نظامی و کاهش بیش از بیش آزادی های سیاسی و حقوق دموکراتیک در این کشورها می شود. در طول کنفرانس به نکات زیر نیز توجه ویژه ای مبذول شد:

- آزادی تشکل و رفع هرگونه مانعی برای حقوق و آزادی های اتحادیه ای، رفع همه اشکال سرکوب علیه فعالان اتحادیه ای، و آزادی فعالان اتحادیه ای دستگیر شده.

- بهبود شرایط کار کارگران و اتخاذ هرگونه اقدام لازم در رابطه با بهداشت و ایمنی کار، برای کاهش حوادث و اتفاقات محل کار؛

- مقابله با بازپس گیری مطالبات و حقوق اجتماعی و در وهله اول کاهش دستمزدها در عین حال مبارزه برای بسط و گسترش اتحادیه ها و حقوق سیاسی، در همه ی کشورها؛

- مبارزه برای متوقف کردن و در عین حال پایان دادن به سیاست هایی که منجر به گسترش خصوصی سازی و محدود کردن خدمات اجتماعی و رفاهی کارگران، از قبیل افزایش سن بازنشستگی، بهداشت و آموزش رایگان و ... می شوند و تأکید و پیگیری اتحادیه های کارگری، بر روی حقوق و مطالباتی از این قبیل؛

- نیاز به گسترش و تقویت مبارزه علیه اتحادیه اروپا و مطالبه ی رفراندوم در مورد کنوانسیون اتحادیه اروپا.

- توجه ویژه ی اتحادیه های کارگری، به سازماندهی کارگران زن جوان که غیررسمی و بدون حمایت اند؛

- طرح مطالبه ی " دستمزد برابر، برای کار برابر " و مبارزه علیه سیاست های تفرقه اندازانه و رقابتی ای که ایده ی تفاوت دستمزدها و موقعیت ها را تقویت و تحکیم می نماید؛

توجه ویژه به مبارزه علیه فقر و بیکاری و اهمیت قائل شدن برای متشکل کردن توده های کارگر و کارگران بیکار در این رابطه؛

- حل تمامی مشکلات و معضلاتی که گریبان گیر کارگران زن می باشد و پایان دادن به انواع و اقسام تبعیضات جنسی؛

## گزارشی از برده داری نوین در میدانهای میوه و تره بار استان گیلان

در شهرهای مختلف استان از جمله رشت، میدانهای فروش میوه و تره بار وجود دارد که میدان میوه و تره بار آزادی از بزرگترین آنها محسوب می شود. این میدان ۴۴ حجره و تقریباً ۸۸ صاحب یا به عبارتی کارفرما دارد. در این مراکز محصولاتی از تمامی کشور در فصول مختلف توسط حجره داران بصورت امانتی فروخته می شود. به این حجره داران، امانت فروش یا بار فروش هم می گویند.

ساعت کاری در میدان بار از ۴ صبح الی ۱ بعداز ظهر است که در بعضی شهرها از جمله لنگرود در شرق استان علاوه بر صبح، بعداز ظهر از ساعت ۳ الی ۵ عصر هم کار ادامه دارد. حجره های داخل میدان ۲ طبقه و هر طبقه دارای دو اتاق می باشد. همچنین هر حجره ممکن است دارای یک یا چندین مالک (کارفرما) باشد. تعداد کارگران هر کارفرما بر حسب مقدار بار برای فروش از ۲ تا ۱۲ نفر متغیر هست. میدان بار "آزادی" حدود پانصد کارگر دارد که آنها نیز برحسب کاری که انجام میدهند، به چند بخش تقسیم میشوند: بخش حمل و نقل، بخش نیمه اداری (مسوول فروش، قاپان نویس، تحصیل دار، دفتردار) و نگهبانان که کارشان ساعتی و شیفتی است.

کارگران بخش حمل و نقل در واقع کار جابجایی بارها را انجام میدهند: خالی کردن بار ماشین، توزین آلفا و تحویل به مشتری. میوه و محصولات دیگر معمولاً داخل سبدهای ۱۰ الی ۱۱ کیلویی، داخل جعبه های چوبی ۲۰ الی ۲۴ کیلویی و یا داخل پلاستیک های ۳۰ الی ۴۲ کیلویی قراردارند، که تماماً توسط خود کارگران بدون هیچ وسیله بالابری جابجا می شوند. شرایط کاری برای این دسته از کارگران بسیار دشوار است به گونه ای که عموماً بارها با توجه به حجم و وزن بالای آنها وسط حیاط میدان بدون هیچ گونه سقفی قرار می گیرند و کارگران ناچارند در فصول پاییز و زمستان در آب و هوای مرطوب و بارانی استان، در شرایطی دشوار مشغول به کار باشند. آنها در سرمای شدید خیلی کم میتوانند از بخاری استفاده نمایند. دارای هیچگونه لباس کار مخصوص و کفش ایمنی نیستند و اصلاً ایمنی کار برایشان وجود ندارد. اکثر کارگران مهاجر بوده و خانواده هایشان در روستاها زندگی می کنند و به این دلیل مسکن و محل زندگی شان نیز همان محل کارشان یعنی میدان بار فروشی است. خوابگاه اکثر کارگران، اتاقک های حجره است که اغلب دفتر کار صاحب حجره نیز می باشد. فقط تعداد اندکی از حجره ها، دارای اتاق زندگی و خواب کارگران هستند. چون رانندگان کامیونها شبها وارد میدان میشوند، محل استراحت و خواب آنها نیز با کارگران یکی است. وسایل زندگی آنان بسیار ابتدایی است، به نحوی که تا همین چند سال پیش فاقد هر گونه وسایل گرمایی و سرمایی بودند. اکثریت کارگران بیمه نبوده و تنها ۳۰ نفر از آنان بیمه تامین اجتماعی هستند. چون بارها (میوه و تره بار) شبانه به میدان آورده میشوند، کارگران هر حجره دار می باید ماشین ها را جابجا نموده و از بارهای مانده و جدید مراقبت نمایند. یعنی عملاً کار نگهبان شب کارخانه ها را انجام میدهند، بدون اینکه بابت آن دستمزدی دریافت کنند. نکته بسیار حائز

- مبارزه برای غیرقانونی کردن تمامی اشکال کار منعطف و موقت، در همه کشورها، و (تثبیت) روز کار نرمال و تضمین شده ی روابط در محل کار و حین کار؛

- محدود نمودن ساعات کار، همراه با حفظ میزان دستمزد، بعنوان بخشی از مبارزه ی علیه بیکاری؛

- تقویت برادری و همبستگی میان کارگران، از جانب اتحادیه های کارگری، به منظور مقابله با اشکال سیاست های تفرقه افکنانه ای که در برخی کشورها (مبنی بر تفاوت های قومی و افزایش احساسات خصمانه از جانب کارگران بومی، علیه کارگران مهاجر و غیره) اتخاذ می شوند؛

- مقابله با اقدامات انحصارات بزرگ، برای کنترل بر منابع طبیعی و بیش از هر چیز منابع آبی و افزایش آگاهی نسبت به تخریب محیط زیست که تولید کاپیتالیستی مبتنی بر سود و سرمایه، علت واقعی آن است؛

کنفرانس مورد نظر در عین حال اهدافی از قبیل سازمان دادن کنفرانس بعدی، تقویت پیوندهایی که در طی این کنفرانس ایجاد شده بودند و ایجاد شیوه های ارتباطی لازم را به منظور تحقق اهداف زیر در برابر خود قرار داد:

کارگران، رنجبران و همه ی ملت های تحت ستم، به مبارزه ادامه می دهند و در برابر اشغال امپریالیستی مقاومت می کنند. کنفرانس خاطر نشان می کند که از تمام مبارزات ضد امپریالیستی و استقلال طلبانه، بخصوص در امریکای لاتین، خاورمیانه و آسیا، حمایت می کند. علاوه بر این، می خواهد که با شناخت حق تعیین سرنوشت، اشغال امپریالیستی عراق و افغانستان خاتمه یابد. به فلسطینی ها استقلال داده شود و مساله کرد ها به نحوی دموکراتیک و مبتنی بر برابری حقوق ملل حل گردد.

کنفرانس همچنین همبستگی خود را با کارگران در حال اعتصاب و مبارزه در سراسر جهان اعلام نموده و به ویژه بر همبستگی با: کارگران هفت تپه در ایران؛ کارگران توزلا، یورسان، و ت.ای.جی.آ. در ترکیه و کارگران فیات و آلفا رومئو در ایتالیا تاکید می نماید. کنفرانس خواهان آزادی فوری کارگران دستگیر شده در مبارزه محلا در مصر، و منصور اسانلو در ایران می باشد.

شرکت کنندگان در کنفرانس همچنین به این نتیجه رسیدند که فعالان کارگری و اتحادیه ای که در کنفرانس حضور داشتند احساس می کنند که به یک مبارزه ی مشترک و بین المللی تعلق دارند.

### زنده باد اتحاد و همبستگی بین المللی طبقه کارگر

اهمیت اینکه با وجود چنین شرایط بد کاری و بی حقوقی کامل کارگران، تاکنون هیچ بازرسی از اداره کار به محیط کاری آنان نیامده است و سالیانه که از بازرسی تامین اجتماعی هم خبری نیست. هیچ نوع نظارتی برای اجرای همان حداقل های مطرح در قانون های فعلی کار وجود ندارد.

اکثریت کارگران بخش حمل و نقل را مهاجرین آذری زبان تشکیل میدهند که از روستاهای مختلف استان اردبیل، به امید کسب درآمد برای گذران زندگی خود آمده اند. تعداد کمی از کارگران هم، گیلانی اند و از روستاهای اطراف استان در آنجا کار میکنند. بنابراین میتوان گفت که ۹۰٪ کارگران مهاجر هستند. سن کارگران معمولاً "بین ۱۶ الی ۴۵ سال می باشد که اکثریت آنان با بی سوادند یا حداقل تا سطح راهنمایی درس خوانده اند و اغلب برای اولین بار به یک محیط باصطلاح کارگری - و یا بهتر بگوییم برده داری - وارد شده اند.

به دلیل تفاوت در نوع کار بخشهای مختلف حجره ها، کارگران قسمت حمل و نقل با پرسنل قسمت های نیمه اداری روابط نزدیکی با هم ندارند و در این میان کارگران بخش فروش، علاوه بر امکان بهره مندی بیشتر از درآمدهایی خارج از حقوق دریافتی خود، ارتباط نزدیکی با کارفرما دارند و متأسفانه عموماً خود را از کارگران بخش حمل و نقل جدا می کنند.

تا چند سال قبل، کارفرمایان میدان، واژه کارگر را فقط به کارگران بخش حمل و نقل اطلاق می نمودند و کارگران دیگر تحت عناوین شغلی تحصیل دار، مسئول فروش، قاپان نویس و دفتر دار خود را در شمار کارگران نمی دانستند و این تصور غلط برایشان وجود داشت که از "کارگران" مقام بالاتری دارند.

میزان حقوق و نحوه پرداخت دستمزد در میدان بار آزادی، با توجه به نوع کار به چند روش انجام میگردد: کارگران بخش نیمه اداری، بخش حمل و نقل، نگهبانان یا انتظامات میدان بار. دستمزد کارگران نیمه اداری بصورت هفتگی یا ماهانه پرداخت می گردد که میزان آن در همه حجره ها یکسان نیست و کارفرما متناسب با وضعیت حقوقی پرداخت می نماید که ماهانه بین ۱۲۰/۰۰۰ تومان تا ۲۵۰/۰۰۰ تومان است. نگهبانان که تقریباً ۱۲۰/۰۰۰ تومان تا ۱۵۰/۰۰۰ تومان حقوق میگیرند و بالاخره کارگران بخش حمل و نقل که عملاً و به صورت رسمی دستمزدی از خود کارفرما نمی گیرند بلکه عمده درآمدشان از طریق انعامی است که از مشتریان دریافت می کنند و همچنین مبلغ ناچیزی هم بابت تخلیه بار ماشین ها به دست می آورند. مثلاً اجرت تخلیه بار هر نیسان از ۱/۰۰۰ تا ۲/۰۰۰ تومان، خاور از ۲/۰۰۰ تا ۳/۰۰۰ تومان و تک از ۳/۰۰۰ تا ۵/۰۰۰ تومان متغیر است. البته این تخلیه بار عمدتاً در صورت حساب خود محصول قیدمی شود و در واقع کارفرما هیچ پولی از جیب مبارکش نمی پردازد. ضمناً رقم یاد شده جهت تخلیه بار، برای کلیه کارگران یک حجره است.

متأسفانه علیرغم تلاش زیادی که برای تهیه لیستی از مقدار درآمد کارگران برای ارزیابی از وضعیت موجود و ایجاد یکپارچگی در پرداخت دستمزد آنان انجام شده، اما تاکنون از طرف کارگران این بخش همکاری لازم صورت

نگرفته است و حتی با همه اطمینانی که به نمایندگان خود دارند، لیست صحیحی در این باره ارائه نمی دهند. به دفعات نیز توسط هیئت امناء میدان رسماً اعلام شده است که دریافت انعام از مشتری بنا به تمایل وی بوده و اجباری در پرداخت آن نیست. با یک بررسی کوتاه می توان گفت که با عدم پرداخت دستمزد از طرف کارفرما و عدم پرداخت هیچگونه مبلغی بابت ضایعات میوه و تره بار به دلیل امانتی بودن آن و معافیت پرداخت سهم بیمه توسط حجره داران و نیز با توجه به ساعات کاری و ندادن هیچ غذایی به کارگران حتی صبحانه، چه سود زیادی نصیب کارفرما می شود سود حاصله از دسترنج کارگران برای این حجره داران به نسبت سرمایه داران صنعتی در یک مقدار مشخص ساعت کار و ایجاد ارزش اضافه حاصل از کار کارگران، چند برابر است.

### غلامرضا راستی

#### سهم بازنشستگان از سود سازمان تامین اجتماعی

سالها پیش در محله ما، چند کوچه بالاتر خانواده ای زندگی می کردند که نان آورشان عمو عباس بود. او بعد از زلزله مهیب روستای "فارسینج" در اواخر دهه سی، دست زن و بچه هایش را گرفت و به شهر آمده بود. عمو عباس بعد از چند سال کارهای متفرقه، بالاخره در کارخانه آرد، کار پیدا کرده بود. به دنبال چندین سال کار سخت و مداوم، عمو عباس به سن بازنشستگی رسید در واقع او به دلیل دچار شدن به ناراحتیهای مختلف، از جمله درد کمر، دیگر توان کار نداشت.

هنوز یک سال از بازنشستگی عمو عباس نگذشته بود که بیماری او تشدید شد. پزشکان تنها راه علاج را عمل جراحی دیسک کمر تشخیص دادند و در بیمارستان زیر تیغ جراحی قرار گرفت اما عمو عباس که می خواست ایام بازنشستگی در کنار زن و بچه هایش با آرامش زندگی کند، متأسفانه یک هفته بعد از ترخیص از بیمارستان، در گذشت.

او کارگر شریف و زحمتکشی بود که با اتکا به نیروی کارش به همراهی همسر فداکارش (عمه رنگینه)، که پا به پای دردها و رنج های عمو عباس گام بر می داشت، امرار معاش می کرد. آنها چیزی جز داشتن یک زندگی انسانی و سالم برای خود و فرزندانشان نمی خواستند....

زندگی عمو عباس و هزاران بازنشسته دیگر، این سوال را به ذهن می آورد که آنها بعد از سی سال کار مداوم و طاقت فرسا، با چه مشقاتی روبرو می شوند و در چه موقعیتی قرار می گیرند؟ کارگرانی که سالها بابت حق بیمه بازنشستگی، از حقوقشان کسر می شد از چه مزایایی برخوردارند و سهم آنها چیست؟

روزنامه همشهری به تاریخ نهم آبان در حاشیه یکی از صفحه هانتس مطلب کوتاهی با عنوان (سهم بازنشستگان از

سود شستا) به چاپ رسانده بود. متن کامل آن به شرح زیر است .

( وقتی خبر سود ۸۶۰ میلیارد تومانی شرکت سرمایه گذاری سازمان تامین اجتماعی منتشر شد ، گروهی از بازنشستگان و بیمه شدگان ، این پرسش را مطرح کردند که هیچ سهمی از این سود به بیمه شدگان و مستمری بگیران نمی رسد ؟

بر اساس خبری که خبرگزاری فارس چندی پیش منتشر کرد ، ارزش روز دارایی های شرکت سرمایه گذاری سازمان تامین اجتماعی ( شستا) بیش از ۶ هزار و ۹۰۰ میلیارد تومان و سود خالص سال مالی منتهی به ۱۳۸۷/۳/۳۱ پس از کسر مالیات از مرز ۸۶۰ میلیارد تومان گذشته است . شرکت سرمایه گذاری تامین اجتماعی ( شستا ) با سرمایه اولیه ۲ میلیارد تومان در سال ۱۳۶۵ تاسیس شده و سرمایه ثبت شده آن پس از چند مرحله افزایش ، در پایان سال مالی منتهی به ۱۳۸۷/۳/۳۱ معادل ۳ هزار میلیارد تومان شده است .

در طول فعالیت شستا از سال ۱۳۶۵ تا پایان سال مالی منتهی به ۱۳۸۷/۳/۳۱ در مجموع نزدیک به ۶۰۰ میلیارد تومان از منابع سرمایه این شرکت ( معادل ۱۷٪ کل سرمایه فعلی ) به صورت منابع نقدی به شستا منتقل و نیز مبلغ یک هزار میلیارد تومان در قالب اموال و سهام از سوی سازمان تامین اجتماعی به شستا منتقل شده و ما به التفاوت این دو به میزان ۱۳ هزار و ۹۲۸ میلیارد ریال (۴۶٪) از سرمایه شستا ، از محل سود سهام سنوات متعدد تامین شده است . ضمن آنکه در همین دوره ، شستا مبلغ ۳ هزار و ۳۰۰ میلیارد تومان نیز به صورت نقدی در چهار چوب سود سهام به سازمان تامین اجتماعی پرداخت کرده است .

شرکت سرمایه گذاری سازمان تامین اجتماعی اگر چه سود مطلوبی در طول سالهای فعالیتش به دست آورده ، اما باز نشستگان و بیمه شدگان این سازمان هرگز سهمی از این سود نداشته اند .

پیگیری این سوال که سهم بیمه شدگان از این سود چقدر است ؟ مدتهاست که از سوی گروهی از بیمه شدگان و بازنشستگان این سازمان ادامه دارد ، هر چند که پاسخ قانع کننده ای به دست نیاورده اند . (

آمار منتشر شده گواه این است که سازمان تامین اجتماعی چه سود هنگفتی طی این سالها ، عایدش شده است . بدون شک این حق طبیعی بیمه شدگان و بازنشستگان این سازمان است که برای به دست آوردن سهم خود از این سود و تا یافتن پاسخ واقعی ، تلاش کنند ، اما چرا آنها خود را در این سود سهیم می دانند و به دنبال گرفتن آن هستند؟

به این دلیل ساده که همان سرمایه اولیه تامین اجتماعی از دو صورت از حقوق آنها کسر شده است : یکی از حداقل دستمزدی که کارفرما برای امرار معاش روزانه به کارگران پرداخت می کند. به عبارت دیگر کارگر از حقوقی که بابت کار لازمی که برای تولید یک کالا در یافت می کند ، درصدی را از سفره بچه هایش می گیرد و به بیمه می پردازد . دیگری سهمی از حق بیمه ای است که کارفرما به جای او پرداخت می کند ، که در واقع آن پول

هم ، سرمایه خود کارگر است . مبلغ پرداختی از طرف کارفرما به بیمه ، بخشی از نتیجه کاری است که کارگر بدون مزد انجام می دهد و سرمایه دار از قبل آن سود ، یا به عبارت درست تر ارزش اضافه انباشت می کند .

دلیل دیگری که بیمه شدگان و بازنشستگان را وامی دارد سهم خود از سود سازمان تامین اجتماعی را مطالبه کنند ، نگاهی است که به زندگی خود دارند . واقعیت این است که میزان حقوق بازنشستگی یا همان مستمری ، جوابگوی نیاز های اولیه زندگی آنها نیست . افزایش روز افزون تورم و بالا رفتن قیمت ها ، از جمله ارزاق عمومی و مسکن و هزینه های دیگری مانند خرج تحصیل فرزندان ، بازنشستگان را وادار می کند که به فکر پیدا کردن کار دیگری باشند . بنابراین آنها با توجه به توان جسمی به مشاغلی مانند نگهداری مجتمع های مسکونی و یا انجام کارهایی در رابطه با کار قبلی خود و حتی دستفروشی روی می آورند . یکی دیگر از دلایلی که بیمه شدگان را به فکر اندیشیدن در باره سهم خود از سوی تامین اجتماعی می اندازد ، وضعیت نامناسب مراکز درمانی این سازمان است . بالا بودن هزینه های بهداشت و درمان در مراکز خصوصی ، بیماران را ناگزیر می کند که برای مداوای خود به بیمارستانها و در مانگاههای تحت پوشش این سازمان پناه ببرند ، چرا که خدمات آنها رایگان است . این امر باعث ازدحام زیادی در مراکز درمانی می شود و امکانات آنها جوابگوی مراجعه کنندگان نیست . با افزایش یافتن چند میلیونی تعداد بیمه شدگان ، امکانات درمانی به موازات آنها رشد نکرده است . نوبتهای طولانی جراحی ، صفهای بیشمار درمانگاه ها ، نداشتن برخی از خدمات روز برای درمان و ناچار شدن بیماران به رفتن به مراکز خصوصی و امسال آن ، مشکلاتی است که همواره مورد اعتراض بیمه شدگان بوده است .

علاوه بر موارد بالا ، باید به نبودن امکانات لازم برای بازنشستگان سالمند اشاره کرد . نبود مراکز آموزشی و تفریحی خاصی که بتواند نیازهای روحی سالمندان بازنشسته را تامین کند ، آنها را خانه نشین و یا سرگردان در میان پارک ها کرده است .

بنابراین بیمه شدگان حق دارند به دنبال جواب روشنی برای سوال خود باشند که سهم آنها از سود سازمان تامین اجتماعی چقدر است و چگونه باید به آنها پرداخت شود؟ بی تردید برای رسیدن به پاسخی درست و نتیجه بخش ، تلاش گسترده و مستمر همه شاغلین و بازنشستگان بیمه شده را می طلبد .

آنها باید خواستار پرداخت سهم خود از سود سازمان تامین اجتماعی از طریق مختلف ، مانند افزایش حقوق بازنشستگان ، زیاد کردن مراکز درمانی و بهداشتی و بالا بردن کیفیت خدمات آنها ، ایجاد فضای مناسب برای سالمندان و ... باشند .

**پیش بسوی ایجاد تشکل های کارگری**

**به نیروی خود کارگران !**

## جمعی از کارگران فعال

گزارش ارسال به کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد  
تشکل‌های کارگری

### مرگ یک کارگر بر اثر برق گرفتگی در کرمانشاه

ناامنی محیط کار بار دیگر جان یک کارگر را گرفت. بر اساس گزارش رسیده عصر روز یکشنبه ۸۷/۹/۱۰، در یک حادثه دلخراش و تکان دهنده، یکی از کارگران شرکت پیمانکاری وابسته به اداره برق کرمانشاه به نام "علی ملکی زاده"، در حین سیمبانی و تعویض فیوز کاند چراغ های معابر بلوار طاق بستان، دچار برق گرفتگی شدید شد و در دم جانش را از دست داد.

علی ملکی زاده کارگر سابق شرکت زمزم کرمانشاه بود که پس از اخراج از این شرکت و گذراندن یک دوره بیکاری، سرانجام در شرکت پیمانکاری برق منطقه ای غرب، به شکل روزمزد و قطعه کاری به عنوان سیمبان کار می کرد.

گفتنی است که بی مسئولیتی شرکت پیمانکار و عدم امکانات ایمنی لازم و نیز نبود آموزش درست به کارگران باعث چنین حادثه دلخراشی شده است. لازم به ذکر است که پیمانکاران این شرکت بخاطر سوددهی بیشتر و هزینه کمتر، از کارگران ساده استفاده می کنند و کارفرما نیز نظارت دقیقی بر کار آنها ندارد.

**کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل‌های کارگری**  
سه‌شنبه ۱۲ آذر ۱۳۸۷

### تحصن کارگران بازنشسته ی شرکت الکترونیک ایران رشت

تعدادی از بازنشستگان شرکت ایران الکترونیک برای چندمین روز متوالی در اعتراض به عدم رسیدگی به پرونده سهام، در محل سابق کارخانه دست به تحصن زدند.

آنان با نصب پارچه نوشته ای خواستار توجه مسئولین به مشکلاتشان شده و اعلام کردند تا رسیدن به خواسته های خود به تحصن ادامه خواهند داد.

**کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل‌های کارگری**  
- منطقه شمال  
سه‌شنبه ۱۲ آذر ۱۳۸۷

گزارش برگزاری مراسم روز نفی خشونت علیه زنان

درسندج

گزیده اخبار و گزارشات کارگری برگرفته ازسایت  
کمیته هماهنگی (مهر و آبان و آذر ۸۷)

کارگران بازنشسته ذوب آهن در اعتراض به پایین بودن  
مستمری خود، اتوبان اصفهان را بستند

سه شنبه ۱۲ آذرماه حدود ۲۰۰۰ نفر از ما کارگران بازنشسته ذوب آهن که بارها نسبت به پای ی ن بودن مستمری خود اعتراض کرده بودی م و هربار مسئولی ن نسبت به خواست ها و مطالبات مان امروز و فردا کرده بودند راهکار را در ای ن دی دی م که برای رسی دن به خواست های خود اتوبان اصفهان - شهرکرد را ببندی م و از ای ن طری ق صدای خود را به گوش همه کارگران برسانی م، هرچند ای ن حرکت با حضور و خشونت نی روی انتظامی مواجه شد. ما کارگران بازنشسته ذوب آهن در بی اتی ه صادر شده که در ای ن تجمع به صورت گسترده پخش کردی م از مسئولی ن خواستی م مستمری ما را در حد کارگران شرکت نفت افزایش دهندو علاوه بر آن خواهان کسب امکانات رفاهی چون بن غذای ارزان قی مت، استخر و ... می باشی م تا از ای ن طری ق کمی از بار سنگی ن سرسام آور زندگی بگامی م. ما نی ز همچون دی گر کارگران با توجه به افزایش قی مت مای حتاج و بالا رفتن هرروز، تورم ای ن مستمری تکاپوی زندگی مان را نمی دهد. خواست ما جدا از خواست دی گر کارگران بازنشسته و همچنی ن معلمان نی ست. ما از کارگران شاغل ذوب آهن و دی گر کارگران شاغل در اصفهان و دی گرمناطق کارگری می خواهی م به هر شکل ممکن از ما حمای ت کنند. واقعی ت ای ن است که سرمای ه داران به چی زی به جز بهره کشی از کارگران نمی اندی شنند و دولت نی ز با تمام قوا از آنان حمای ت می کند همانطور که به تجمع ما حمله ور شدند. تنها سرمای ه ای که ما می توانی م با اتکا به آن سرمای ه داران را به عقب نشی نی وادار کنی م تعداد عظمی م کارگران، کارگران حقوق معوقه، اخراجی و بی کار و شاغل می باشد همانند اعتصاب غذای گسترده کارگران ای ران خودرو در اعتراض به حقوق کم و اضافه کار اجباری . اما ای ن نی روی عظمی م کارگران زمانی می توانند قدرتمند شوند که کارگران شاغل نی ز از ما کارگران بازنشسته و حقوق معوقه حمای ت می کنند. روشن است که سرمای ه داران با سرکوب ما به سراغ شما (شاغلی ن) خواهند آمد همانطوری که دو ماه پی ش بی ش از هزار نفر از کارگران ای ران خودرو را اخراج کردند . بنابراین تنها راه پی شروی ما، اتحاد همه کارگران اعم از شاغلی ن، بی کاران، حقوق معوقه، اخراجی ، بازنشسته، معلمی ن و ... در رسی دن به حقوق خود می باشد.

تامین اجتماعی در خیابان ولیعصر تهران، دست به تجمع زدند. کارگران لاستیک البرز که بیش از 7 ماه حقوقی را دریافت نکرده‌اند، با سر دادن شعار و در دست داشتن پلاکاردهایی خواستار رسیدگی به وضعیت خود شدند.

لازم به ذکر است که در این تجمع اعتراضی، کارگران زن و مرد دوش به دوش هم، ضمن محکوم کردن فساد اقتصادی، به بی کفایتی مدیریت کارخانه اعتراض کرده و خواستار اجرای حکم خلع مالکیت از کارفرما و پرداخت بخشی از مطالبات خود شدند.

گفتنی است که کارگران نماینده‌های خود را به دفتر ریاست جمهوری برای رسیدگی به مشکلاتشان فرستاده اما هنوز جوابی از طرف نهادهای مسئول دریافت نشده است. تجمع اعتراضی کارگران در حالی بود که نیروهای انتظامی تمام محوطه را کنترل و در تلاش برای متفرق کردن کارگران معترض بودند اما کارگران اعلام کرده‌اند که تا رسیدن به خواست و مطالباتشان به تجمع خود ادامه خواهند داد.

### **کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل‌های کارگری چهارشنبه ۶ آذر ۱۳۸۷**

#### **گزارشی از شرکت ایران الکتریک رشت**

کارگران ایران الکتریک رشت که به دنبال واگذاری کارخانه به بخش خصوصی طی توافق نامه‌ای در شهریور سال ۸۳ بازخرید شدند بر خلاف موعد شش ماهه قید شده در توافق نامه، پس از ۴ سال هنوز مبلغ بازخریدی خود را به طور کامل دریافت نکرده‌اند.

این اندک مبلغ که در قبال بیکار شدن شان به آنها تعلق گرفته و با توجه به رشد قیمت ها و تورم چند سال اخیر، اکنون دیگر ارزش چندان ندارد طی ۴ چک تاریخ دار به آنها داده شد.

کارگران هنگام مراجعه به بانک جهت دریافت آخرین مرحله چک به تاریخ مهرماه ۸۷، با خالی بودن موجودی حساب بانکی مربوطه مواجه شدند.

لازم به توضیح است طی توافق نامه سال ۸۳ بخشی از زمین شرکت جهت بازخرید کارگران در نظر گرفته شد که این زمین به فروش رسیده اما هیچ گزارش فروش روشنی از طرف نمایندگان به کارگران ارائه نشده است و علیرغم چندان بار تجمع کارگران در محل استقرار نمایندگان هنوز مشخص نشده علت این فضا چیست؟

کارگران ایران الکتریک رشت هم چنان پیگیرانه این مسئله را دنبال کرده و خواهان شفاف سازی مسائل می باشند.

بنا به دعوت شورای زنان از اعضا شورا و دی گر فعالی ن آزادی خواه و برابری طلب که جهت برگزاری مراسم روز نفی خشونت علی ه زنان صورت گرفت. استقبال دعوت شده گان از برگزاری ای ن مراسم، در ساعت ۱۳:۳۰ بعد از ظهر روز جمعه ۸۷/۹/۸ مراسم با شکوهی در محکومی ت خشونت علی ه زنان در شهر سندانج با خواندن سرود انتر ناسی ونال (سرود همبستگی جهانی طبقه کارگر) توسط ی کی از فعالی ن آغاز شد، سپس توسط مجری برنامه ی ک دق قه سکوت به نشانه احترام به جان باختگان راه آزادی و برابری اعلام شد. به دنبال ان تاری خچه ۲۵ نوامبر (۴ذر) روز نفی خشونت علی ه زنان توسط ی کی از اعضا قراعت شد. خواندن پنج مقاله وسه سخنرانی در زمی نه انواع خشونت، چگونگی فرهنگ سازی جهت اعمال خشونت بر زنان توسط سی ستم سرمای ه داری ، خشونت پنهان، خشونت در خانواده ومحل کار، ری شه های خشونت وفرهنگ مرد سالاری که توسط تعدادی از فعالی ن تنظی م شده بود مراسم ادامه ی افت. مابی ن ای ن مقالات و سخنرانی ها شعر های ی با مضامی ن بی حقوقی وستم بر زنان توسط جمعی از شرکت کننده گان به حاضری ن تقدی م گردی د و سپس بی انی ه شورای زنان به مناسبت روز نفی خشونت علی ه زنان توسط ی کی از اعضا قراعت گردی د، در ادامه پذی رای ی از شرکت کنندگان توسط گروه پذی رای ی پای ان بخش مراسم بود وحاضری ن با شعار اتحاد تمامی جنبشهای اعتراضی تنها راه نجات است در ساعت ۱۶ به ای ن مراسم با شکوه پای ان ی افت.

#### **شورای زنان ۸۷/۹/۸**

#### **احضار ۵ نفر از اعضای سندیکای هفت تپه به دادگاه**

اعضای هیئت مدیره سندیکا چند روز پیش از طریق آقای فخردینی (وکیل چند تن از فعالین کارگری) مطلع شدند که ۵ نفر از اعضای سندیکا بنامهای علی نجاتی. فریدون نیکو فرد. جلیل احمدی. قربان علی پور محمد حیدری مهر برای روز ۳۰ - ۹ - ۱۳۸۷ به دادگاه انقلاب دزفول فرا خوانده شدند. لازم به ذکر است که ، نامبردگان بخاطر اعتراضات واعتصابات کارگری در سال گذشته در چندین نوبت به دادگاه فرا خوانده شدند. وهمکنون نام بردگان با قرار وثیقه ده میلیون تومانی آزاد می باشند .

#### **سندیکای کارگران شرکت طرح نیشکر هفت تپه**

#### **تجمع اعتراضی کارگران لاستیک البرز در مقابل وزارت رفاه**

طبق گزارش رسیده، صبح امروز چهارشنبه مورخ ۶ آذر ۱۳۸۷ کارگران لاستیک البرز در مقابل وزارت رفاه و

**" کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل های کارگری  
- منطقه شمال "**

24 Nov. 2008 - ۱۳۸۷/۹/۳

سندیکایتان درود می فرستیم . فعالیت های پیگیر و افتخار آمیز شما پایه های یک سندیکالیسم واقعی نه تنها برای کارگران ایران بلکه برای تمامی کسانی که در جهان برای آزادی ، عدالت ، تساوی و زندگی بهتر مبارزه می کنند ، بنا می کند .

مبارزات شما شایسته ستایش و همبستگی تمام و کمال ماست . ما تلاش خواهیم کرد با تحکیم همبستگی ، این شجاعت شما را ارج بگذاری م

**تجمع کارگران ریسندگی پرریس سندج**

کارگران ریسندگی پرریس سندج، در راستای اجرای حکم صادره توسط اجرای احکام اداره کار، مبنی بر ابقاء به کار، کارگران و پرداخت حقوق معوقه و دائمی شدن قرار دادها؛ امروز یکشنبه مورخه ۳ آذر ماه، ساعت ۶ صبح در مقابل کارخانه دست به تجمع زده و بنا به تصمیم کارگران، از ساعت ۸ در مقابل اداره کار سندج تجمع خود را تا ساعت ۱۱ ادامه دادند. در طی گفتگو و نمایندگان کارگران ریسندگی پرریس با رئیس اداره کار ( امیر اسدی )، به این توافق رسیدند که فردا پرونده کارگران پرریس را برای ارائه به دیوان عدالت اداری در تهران به نماینده کارگران تحویل نمایند . لازم به ذکر است که کار فرمای پرریس ( امیر اسفندیاری ) با طرفین و نفوذ خود توانسته است از طریق دیوان عدالت اداری، از اجرای حکم صادره توسط اداره کار سندج جلوگیری به عمل آورد.

**کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل های کارگری ( منطقه غرب )**

یکشنبه ۳ آذر ۸۷

**ژان فرانسوا کورب - ۱۹ نوامبر ۲۰۰۸**

**یام ت ژ ت ، سندیکای فرانسه به رفقای سندیکای هفت تپه**

ت ژت با دقت زیادی وضعیت کارگران ایران را دنبال می کند . سرکوبی که متوجه کارگرانی که در جهت تشکیل سندیکاها ی آزاد ، مستقل و صنفی خود تلاش می کنند ، توجه و نگرانی ما را به خود معطوف کرده است .

ما پیگیرانه تقاضای آزادی تمامی فعالین کارگری زندانی هستیم . ما به خوبی به مسائل و مشکلات شما آگاهیم و به شهادت و پیگیری شما جهت تشکیل

ت ژت در طول مبارزات شما ، همواره در جهت احیای یک سندیکالیسم متحد و دمکراتیک در کنار شما خواهد بود .

**با احترامات رفیقانه**

**تجمع اعتراضی رانندگان تاکسی شهر کرمانشاه**

طبق گزارش رسیده، صبح امروز چهارشنبه ۱۳۸۷/۸/۲۸ جمع کثیری از رانندگان تاکسی های دوگانه سوز شهر کرمانشاه، باری دیگر در اعتراض به شلوغی و ازدحام جایگاه های گاز (سی ان جی) و کم بودن سهمیه بنزین، در محل ایستگاه تاکسی در میدان آزادی این شهر تجمع کردند. طوری که ترافیک سنگینی در خیابان های منتهی به آنجا ایجاد شد. لازم به ذکر است که یک ساعت بعد، مسئولین سازمان تاکسیرانی شهرداری شهر کرمانشاه در میان رانندگان حضور یافته و با آنها به بحث و گفتگو پرداختند. در نتیجه اعتراض رانندگان، مسئولین سازمان تاکسیرانی قول مساعد دادند که تا هفته آینده، جایگاه اختصاصی گاز ویژه تاکسیداران را تعیین کنند.

شایان ذکر است که افزایش نرخ کرایه، دسترسی آسان به قطعات یدکی و ارزان بود آن، از جمله خواسته های دیگر رانندگان بودند. همچنین ن گفتنی است که نیروهای انتظامی که در محل تجمع حضور داشتند یک نفر را که از این تجمع فیلمبرداری میکرد دستگیر و بازداشت کرده اند.

**کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل های کارگری**

**چهارشنبه ۲۹ آبان ۱۳۸۷**

**تجمع کارگران مراکز تولیدی شهر تهران در سالروز تصویب قانون کار**

طبق گزارش رسیده کارگران مراکز تولیدی شهر تهران همزمان با سالروز تصویب قانون کار، در اعتراض به



اخراج سازهایی اخیر، عدم رسیدگی به خواست و مطالبات کارگران، پرداخت حقوق‌های معوقه و اجرا نشدن قانون کار بسیار اسفبار موجود، در روز چهارشنبه ۲۹ آبان ۸۷ گرد همایی کارگری را سازمان خواهند داد. گفتنی است که مسئولان خانه کارگر در تلاش هستند که ابتکار عمل را به دست گرفته و زمینه مساعد اعتراض خیابانی کارگران را خنثی کنند. متأسفانه تا این لحظه از مکان برگزاری تجمع خبری به دست کمیته هماهنگی نرسیده است.

### کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل‌های کارگری

سه‌شنبه ۲۸ آبان ۱۳۸۷

### اعتراض کارگران شرکت کشت و صنعت امام خمینی به عدم پرداخت حقوق‌های معوقه

طبق گزارش رسیده کارگران شرکت کشت و صنعت امام خمینی بیش از دو ماه است که حقوق و مزایای خود را دریافت نکرده‌اند، این کارگران نسبت به عدم پرداخت حقوق معوقه خود دست به اعتراض زده‌اند.

لازم به ذکر است که مدیر عامل این شرکت در پی اعتراض کارگران، ناچاراً وعده و وعیدهایی را مطرح کرده است. مدیر عامل این شرکت ضمن اشاره به واردات بی‌رویه شکر در ماه‌های گذشته دلیل عدم پرداخت حقوق کارگران را فروش نرفتن شکر تولیدی بیان کرد. وی همچنین قول مساعد داد که در هفته جاری تمامی مطالبات کارگران را پرداخت کند، این در حالی است که اعتراض کارگران برای دستیابی به حقوق معوقه خود همچنان ادامه دارد.

### کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل‌های کارگری

سه‌شنبه ۲۸ آبان ۱۳۸۷

### خبری کوتاه از شرکت دامپروری سفیدرود رشت

کارگران واحد پرورش ماهی شرکت دامپروری سفیدرود رشت، مدت ۳ ماه است که حقوقی دریافت نکرده‌اند. با توجه به این که بازار قیمت ماهی در سال جاری برای پیمان کاران شرکت بسیار سود آور بوده است، اما تا کنون هیچ اقدامی برای پرداخت حقوق معوقه کارگران انجام نداده‌اند.

### "کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل‌های کارگری - منطقه شمال"

۱۳۸۷/۸/۲۷ - ۱۸,۱۱,۲۰۰۸

### در نتیجه ی تلاش و مبارزه ی جمعی و متشکل کارگران کارخانه ی ایران بریک

### (( کارگران اخراجی ، بر سر کارهای خود بازگشتند ))

( گزارش شماره ۳ )

سر انجام پس از گذشت بیش از دو هفته از اعتصاب هماهنگ و یکپارچه ی کارگران ، در کارخانه ی ایران بریک رشت ، مبنی بر بازگشت به کار تمامی کارگران اخراجی ، کارفرمای این کارخانه ، مجبور به عقب نشینی و پذیرش خواست کارگران ، در این خصوص شد .

توضیح اینکه ، همان گونه که در گزارش شماره ی ۱ کارگران این کارخانه - که عیناً در سایت " کمیته ی هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل های کارگری " انعکاس یافته است - آمده ، " ۷ نفر از نمایندگان کارگران ، در اعتراض به عدم پرداخت ۴ ماه حقوق و مزایای معوقه ی خود ، توسط کارفرمای کارخانه اخراج شدند ، که در مقابل با این برخورد رذیلانه و ضد کارگری ، تمامی ۲۰۰ کارگر کارخانه ، به شکلی متحد و یکپارچه دست از کار کشیدند و دستگاه ها را یکی پس از دیگری خاموش کردند . در پاسخ به این عمل انقلابی کارگران ، کارفرمای ضد کارگر کارخانه ، در همدستی با لطیفی ، رئیس حراست اداره ی کار و امور اجتماعی استان ، که در دفاع از سرمایه دار زالو صفت کارخانه سر از پانمی شناخت و مدام کارگران را تهدید به اخراج و به اصطلاح " تنبیهات " جور و واجور می نمود ، برای چشم زهر گرفتن از کارگران ، اقدام به اخراج ۷ تن دیگر از کارگران این کارخانه نمود . که کارگران نیز بی کار ننشسته و در اقدامی شجاعانه و تحسین برانگیز ، در پاسخ به کارفرمای ضد کارگر کارخانه و مسئولین حراست استان اعلام نمودند که " تا بازگشت به کار تمامی کارگران اخراجی و پرداخت حقوق معوقه ی کارگران ، به اعتصاب خود ادامه خواهند داد " . لازم به یادآوریست که کارفرما و گماشتگان او ، در طول این مدت ، تمام سعی و تلاش خود را به کار بردند تا به عناوین مختلف در میان صفوف متحد کارگران تفرقه انداخته ، اعتصاب یکپارچه ی کارگران را به شکست بکشانند . به عنوان مثال اعلام نمودند که حقوق معوقه و عیدی - پاداش سال های قبل کارگران را در صورتی پرداخت می کنند که کارگران از تقاضای بازگشت به کار کارگران اخراجی کارخانه صرف نظر نمایند . و یا معدودی از کارگران قراردادی را با تهدید به اخراج و بعضاً تطمیع ، مجبور کردند که پای ورقه هایی را امضاء کنند که در آن نوشته شده بود که " ما کارگران ، ضمن حمایت از مدیریت کارخانه ، خواهان شروع به کار فوری کارخانه و ادامه ی کار آن هستیم ، اما ... " که خوشبختانه تمامی این ترفند ها ، با هوشیاری و درایت کارگران با شکست مواجه شد و همان طور که در آغاز ای گزارش نیز آمده است ، کارگران توانستند پس از

دو هفته اعتصاب یکپارچه و متحد، کارفرما را مجبور به عقب نشینی کرده و کارگران اخراجی این کارخانه را بر سر کارهای خود باز گردانند.

مبارزه ی متحد و یکپارچه ی کارگران کارخانه ی ایران برک رشت و موفقیت آنان در به کرسی نشاندن یکی از خواست ها و مطالبات مهم و اساسی خویش، به کارفرمایان و حامیان آنان، دایر بر بازگشت به کار کارگران اخراج شده، به کارخانه و بر سر کارهای خود - اگر چه در ابعادی کوچک و منفرد اتفاق افتاده است - اما به نوبه ی خود ثابت می نماید که کارگران اگر بخواهند به مثابه یک طبقه همدیگر را پیدا کنند و عزم خود را برای به دست آوردن حقوق و مطالبات مورد نظر خویش در زمینه های مختلف جزم نمایند، می توانند در سایه ی تلاش و مبارزه ی آگاه، متحد و متشکل خود، به دست آورد های بزرگ تر و عظیم تری در ارتباط با تحقق خواست ها و مطالبات طبقاتی خویش، در همه ی عرصه ها، نایل آیند و در نهایت دست سرمایه داران و عوامل آنان را در هر شکل و هیئتی، از شرایط کار و زندگی کارگران و همه ی توده های مردم محروم، کوتاه نمایند. کارگران ایران برک همچنین با این حرکت متحد و این پیروزی تحسین برانگیز، درس ها و آموزه های گرانقدری نیز برای هم طبقه ای های خود در اقصی نقاط کشور به ارمغان آورده اند که:

اگر می توان با قدرت اتحاد و نیروی عزم و اراده ی کارگران، سرمایه داران و حامیان شان را - به ویژه در کارخانه ای که تا مدتی پیش از این واقعه، آن چنان احساس قدر قدرتی میکردند که به خود اجازه میدادند تا همراه با اعمال شدید ترین و وحشیانه ترین نوع استعمار، نسبت به کارگران، هر ستمی، از اخراج کارگران به هر بهانه گرفته، تا انواع فشارها و به اصطلاح "تنبیهات" را در حق آنان روا دارند، (تا آنجا که کارگران در انتهای نامه ای که برای کمیته ی هماهنگی، در ارتباط با شرح فشارهای صاحبان سرمایه، نسبت به کارگران در این کارخانه، ارسال داشته بودند نامیدانه نوشتند که: "... انشالله که خداوند خود احقاق حق نماید" ) به عقب نشینی و پذیرش خواست ها و مطالبات کارگران - اگر چه در یک مورد حتی - وادار نمود و آنان را درمانده و مستأصل، بر سر جای خود نشاند، پس می توان به قدرت آگاهی و همبستگی طبقاتی کارگران و عزم جزم آنان، در کارزاری به وسعت ایران نیز بر سرمایه و سرمایه داران، فایق آمد و آن طبقه را نیز به شکست و هزیمت مجبور کرد و بر سر جای خود نشاند. کارگران ایران برک، در واقع با این حرکت متحد و یکپارچه ی خود، در واقع، بر این امر خطیر مهر تأیید کوبیدند و تنها گوشه هایی از قدرت طبقه ی کارگر را به نمایش گذاشتند. آنان نشان دادند که اگر این طبقه اراده کند و در ابعادی گسترده و سراسری، متشکل شود و به میدان بیاید هیچ قدرتی جلودار آن نخواهد بود.

کمیته ی هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل های کارگری، این پیروزی را که در سایه ی آگاهی و همبستگی کارگران به دست آمده است، به کارگران این کارخانه تبریک گفته و همچنان آنان را به هوشیاری در مقابله با ترفند های ریاکارانه ی سرمایه داران و اتحاد در مقابل این طبقه آنان فرا می خواند.

با امید به پیروزی نهایی طبقه ی کارگر، در سایه ی ایجاد تشکل های مستقل، توده ای و طبقاتی کارگران، به نیرو و قدرت اراده ی خود آنان.

### کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل های کارگری

#### منطقه شمال

۸۷ / ۸ / ۲۲

### تهدید به اعتصاب کارگران واحدهای ۱ و ۲ جوجه کشی کشت و صنعت مهاباد

طبق گزارش رسیده روز سه شنبه ۲۱ آبان ۱۳۸۷، کارگران اخراجی واحد دو و کارگران واحد یک جوجه کشی، در اقدامی هماهنگ و طی ضرب العجلی به کارفرمای بخش مربوطه هشدار دادند که اگر تا روز سه شنبه ۸۷/۸/۲۸ در سالنها، جوجه ریزی نشود دست به اعتصاب خواهند زد.

لازم به ذکر است که در همین رابطه شش نفر از کارگران با نامهای امیر صوفی بیرم، رحیم باردل، حسین محملی، مصطفی کلهری، سیامند فقه یعقوبی و منصور ذهابی از واحدهای یک و دو به حراست کارخانه فراخوانده شدند و به آنان هشدار داده شده که اگر در اختشاشات کارخانه شرکت کنند با آنها برخورد تند خواهد شد. اما این کارگران ضمن رد ادعای بی اساس حراست کارخانه، اعلام کردند که عاملان اصلی اختشاش، کارفرمایان و مسئولین حراست هستند. دفاع این کارگران از خواسته های برحق خود، همبستگی سایر کارگران را جلب کرده و به پشتیبانی همکاران کارگر خود، مسئولین حراست را وادار به عقب نشینی کردند.

قابل ذکر است که کارگران در صورت عدم رسیدگی به خواسته هایشان، روز سه شنبه ۲۸ آبان دست به اعتصاب خواهند زد.

### کمیته هماهنگی برای کمک به اجاد تشکل های کارگری (منطقه غرب)

## جان باختن یک کارگر در بانه بر اثر سوانح محل کار

طبق گزارش رسیده، روز جمعه مورخ ۱۳۸۷/۸/۲۴ یک کارگر با نام "سلام امین پور" بر اثر سانحه در محل کار مجروح و متأسفانه بعد از چندی جان خود را از دست داد.

لازم به ذکر است که "سلام امین پور" اهل روستای "کانی ناو" برای امرار معاش در معدن سنگ روستای "سیدلو" واقع در کیلومتر ۵ جاده بانه - سفز مشغول به کار بود که در اثر ریزش سنگ، به شدت مجروح می‌شود. نامبرده بلافاصله به بیمارستان منتقل شده اما در اثر شدت جراحات وارده، جان خود را از دست می‌دهد. گفتنی است که کارگر نامبرده متأهل و دارای ۳ فرزند می‌باشد.

### کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکلهای کارگری (منطقه غرب)

۲۴ آبان ۱۳۸۷

### اخراج ۱۳ نفر از کارگران شهرداری شهر اشنویه

طبق گزارش رسیده، تعداد ۱۳ نفر از کارگران شهرداری شهر اشنویه در تاریخ ۱۰ آبان ماه ۱۳۸۷ اخراج شدند. این کارگران که در بخش حفظ و نگهداری فضای سبز شهر اشنویه مشغول به کار بودند بدون دریافت هیچگونه پاداش و یا بیمه بیکاری از کار اخراج شدند.

لازم به ذکر است که کارفرما به بهانه اینکه فصل زمستان و باریدن برف در راه است و دیگر نیازی به نگهداری فضای سبز شهر نیست، کارگران را اخراج کرده است. این در حالی است که کارگران به دلیل نیاز شدید به کار و امید به اینکه دوباره در فصل بهار به سر کار برگردند هیچ گونه اعتراضی نکرده‌اند.

گفتنی است که همگی این کارگران متأهل و هیچ گونه منبع درآمدی ندارند. یکی از کارگران این وضعیت را اینچنین تعریف می‌کند: "چون ما کارگران خدماتی هستیم و دستی در تولید نداریم، بیشتر از همه هم طبقه‌های خود در مراکز تولیدی، استثماری شویم که این خود نمایانگر خصایص ددمنشانه سرمایه است."

### کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکلهای کارگری

منطقه غرب

۸۷/۸/۲۴

## گزارشی از "شرکت گسترش سازه ماد سنندج"

کارگران "شرکت گسترش سازه ماد"، که مشغول ساخت مجموعه ورزشی و استادیوم ۱۵ هزار نفری سنندج هستند حدود شش ماه است که حقوق و مزایای خود را دریافت ننموده‌اند. کارفرمای این شرکت سازمان تربیت بدنی می‌باشد که کار اجرای پروژه را به فردی به نام "هویدا وزیری" واگذار نموده است. نامبرده خود در بهترین نقطه شهر سنندج و در ساختمانی مجلل با تمام امکانات مادی مشغول زندگی است. ولی هروقت کارگران از حقوق معوقه خود حرفی را به میان می‌آورند با چهره عبوس و بر خورد غیرانسانی می‌گوید پول ندارم. عاقبت کارگران دریافته‌اند که مفت خوران استثماری جز با زور تسلیم خواسته‌های آنان نخواهند شد.

به همین منظور مورخه ۸۷/۸/۲۱ در داخل محوطه شرکت تجمع و دست از کار کشیدند. این تجمع تا نزدیک ظهر طول کشید. در نهایت وقتی کارگران با کارفرما وارد مذاکره شدند، کارفرما آنان را تهدید کرده که باید همه تسویه حساب کنید در غیر اینصورت هیچ گونه حق و حقوقی به آنها پرداخت نخواهد شد. این کارگران که ۵۰ نفر هستند در شرایط بسیار بد مادی همراه با خانواده‌های شان روزگار را سپری می‌کنند. در طول این مدت (شش ماه) فقط به هر کدام از کارگران مبلغ ۷۰ هزار تومان!! پرداخت شده است که باید و جا دارد از حامیان سرمایه پرسیده شود که این مبلغ ناچیز کفاف پول تو جیبی یک هفته فرزندان آنان را می‌کند!! چطور با این همه فقر و فلاکت و گرانی که عاملش شما حریسان پول و ثروت هستید کارگزار زحمت کشی که تمام نعمات مادی این کره به دست او خلق می‌شود، حق ندارد و نباید از ثمره رنج و تلاش خود بهره گیرد؟ و با شکم گرسنه شب را همراه خانواده اش به صبح رساند.

کارگران؛ اتحاد و همبستگی ما ضامن رسیدن به خواسته‌های برحقان است. متحد شویم!!

این گزارش از طرف یکی از کارگران شرکت "گسترش سازه ماد سنندج" برای سای ت کمی ته هماهنگی ارسال شده است.

### کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکلهای کارگری (منطقه غرب)

۸۷/۸/۲۳

### گزارشی از وضعیت کارخانه ایران برک

(گزارش شماره ۲)

اداره کار و دیگر ارگان های ذیربط بی نتیجه مانده است. لازم به ذکر است که کارگران رسمی شاغل در شهرداری پاوه هم ، به مدت ۸ ماه است که از بابت اضافه کاری خود هیچ گونه حقوقی را دریافت نکرده اند.

### **کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل های کارگری منطقه غرب**

#### **اعتصاب کارگران شرکت لوله سازی لوشان**

کارگران شرکت لوله سازی لوشان که مشغول پروژه لوله گذاری در بندر انزلی هستند در اعتراض به دریافت نکردن دستمزد، پرداخت نشدن حق بیمه و عدم ارسال لیست بیمه به سازمان تامین اجتماعی از سه روز پیش دست به اعتصاب زده اند. مدیر عامل شرکت نیز در واکنش به اعتصاب کارگران دستور داده تا درب کارگاه به روی کارگران بسته شود و قول داده که شنبه آینده حقوق های معوقه را پرداخت کند.

این در حالی است که ماه پیش مدیر عامل مبلغ يك ميليارد تومان دریافت کرده و او آن مقدار پول را در کار دیگری سرمایه گذاری کرده است.

لازم به ذکر است که تعدادی از کارگران در اعتراض به همین وضعیت، يك بار دیگر اعتصاب کرده بودند که آن اعتصاب منجر به اخراج ۴ نفر از کارگران شده بود.

اما در اعتصاب کنونی همه کارگران شامل کارگران ساده و مهندسان شرکت کرده اند. این پروژه به منظور بهبود شرایط فاضلاب شهری در تعدادی از شهرهای شمالی و با وام بانک جهانی اجرا می شود.

"گیل آوا"

#### **اعلام تجمع کارگران لاستیک البرز در مقابل نهاد ریاست جمهوری**

طبق اخبار رسیده به کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل های کارگری، کارگران شرکت لاستیک البرز اعلام کرده اند که دست به تجمع خواهند زد ..

کارگران لاستیک البرز اعلام کرده اند که صبح روز دوشنبه مورخ ۲۰ آبان ۱۳۸۷، ساعت ۷ صبح در مقابل نهاد ریاست جمهوری تجمع می کنند.

کارخانه ایران برک رشت با بیش از ۳۷ سال سابقه کار ، تنها مرکز تهیه پارچه فاستونی و دوخت و دوز کت و شلوار در منطقه گیلان می باشد . این کارخانه در سال ۱۳۷۷ از پوشش سازمان صنایع ملی ایران خارج شده و به بخش خصوصی واگذار شد . مالکیت و عمده سهام این شرکت در اختیار شخصی به نام محمد ضرابیه می باشد که در حال حاضر مدیرعامل بانک سامان کشور و صاحب کارخانجاتی از قبیل یزد بافت ، فیلور، کاشی کویر یزد است . از سال ۱۳۸۰ تا کنون به دلیل عدم کفایت مدیران شرکت و بکارگیری افرادی بدون تجربه در زمینه فاستونی ، کارخانه برک دوران بحرانی را پشت سر گذاشته است ، بطوریکه همیشه حقوق کارگران کارخانه با ۳ الی ۴ ماه تاخیر پرداخت می شود و نصف عیدی و پاداش سال ۱۳۸۶ هنوز به کارگران پرداخت نشده است . در حال حاضر به مدت ۱۲ روز است که کلیه کارگران در اعتراض به عدم دریافت حق و حقوق خود دست از کار کشیده اند ، به همین دلیل ، مدیر عامل شرکت بنام کوروش کانطوری ، به بهانه های واهی و از روی غرض ورزی شخصی ، حکم اخراج حدود ۱۴ نفر از کارگران را در دو نوبت داده است و این کار ، هم بر شدت اعتراضات کارگران افزوده است و هم در حال حاضر تمامی کارگران اصرار بر دریافت کلیه حق و حقوق معوقه خود دارند و این درحالی است که به دستور مدیر عامل ، سلف سرویس ( رستوران ) کارخانه بسته شده است و به کارگران غذا نمی دهند . حال ! جای سوال اینجاست که آقای ضرابیه با این همه ثروت و دارائی چگونه از دادن حق و حقوق کارگران عاجز مانده است ؟ به نظر می رسد که ایشان به دنبال هدف های دیگری است که مسئولین کشور و استان در زمینه مسائل کار و کارگری باید پاسخ گوی آن باشد .

لازم به توضیح است که از سال ۱۳۸۴ تا کنون حدود ۲ میلیارد تومان ، دولت از منابع مالی خود و بانکهای کشور به کارخانه کمک کرده است .

### **کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل های کارگری منطقه شمال**

#### **گزارشی از وضعیت کارگران شهرداری در شهر پاوه**

طبق خبر رسیده از شهر پاوه کارگران شهرداری که تحت پوشش شرکت بیمانکاری می باشند ۳ ماه است که حقوق و مزایای خود را دریافت نکرده اند .

تعداد کارگران تحت پوشش شرکت بیمانکاری در شهرداری پاوه ۳۷ نفر می باشند. متأسفانه این کارگران تاکنون جهت پیگیری مطالبات خود دست به اقدامی مشترک نزده اند و گاهی به صورت انفرادی با مسئولین و مدیریت شرکت وارد مذاکره شده و مراجعات تاکنونی آنها به

لازم به ذکر است که این تجمع به دلیل محقق نشدن مطالبات کارگران لاستیک البرز و نیز عدم دریافت حقوق معوقه، صورت خواهد گرفت.

### کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل های کارگری

### گزارشی از وضعیت کارگران شرکت "وزنه" و شرکت "ماموت"

شرکت وزنه دو سال پیش تحت پوشش بانک ملت بود که شرکت ماموت از راه رسید و با دسی سه واسطه های حرفه ای شرکت وزنه را بلعید .

نه مزایده ای در کار بود و نه خرید و فروش رسمی ،شرکتی که در بهترین نقطه صنعتی تهران واقع در کیلومتر ۱۴ جاده مخصوص کرج بود با شش میلیارد تومان آنهم به شکل شریاطی به خانواده فردوس سهامدار ماموت واگذار گردید .

اکنون بعد از دو سال شرکت ماموت قصد دارد شرکت وزنه را با کارگران رسمی و قراردادی به نزدیک هشتگرد کرج یعنی ماموت ۱ انتقال دهد.

حدود ۲۳۰ نفر کارگر و کارمند در شرکت فوق مشغول بکار هستند که از این تعداد حدود ۳۰ نفر رسمی و ۲۰ نفر کارگران قراردادی با سوابق بالای ۶ سال تا ۱۳ سال و بقیه کارگران قراردادی یک ماه الی دو ماهه هستند که حداکثر دو سال سابقه و حداقل ۶ ماه سابقه در شرکت وزنه را دارا هستند.

شرکت ماموت قصد دارد ۲۳۰ کارگر را در زمستان ۸۷ آواره و بیکار نماید و شرکت وزنه را به خدمات پس از فروش اسکانیا که به تازگی مجوز ساخت آن را از کشور سوئد گرفته است، تبدیل کند.

کارگران رسمی شرکت بخاطر نبود تشکل کارگری در شرکت اقدام به برگزاری انتخابات نمایندگی کارگران نموده و ۵ نفر را به عنوان نماینده کارگران انتخاب نمودند.

مدیریت ماموت پاسخگوی مطالبات کارگران نبوده و کارگران شرکت وزنه بخصوص کارگران رسمی چاره ای جز ایستادگی در برابر غول ماموت را ندارند.

### آخرین اخبار از نساجی کردستان

کارخانه نساجی کردستان تعطیل و تمامی کارگران این کارخانه اخراج و بی کار شدند. مدیریت کارخانه با پرداخت حقوق چهار ماه کارگران ، با کمال بی شرمی و رذالت تمام آنها را مجبور به تسویه حساب کرده و کارگران به علت مشکل مالی که بر دوش آنها بی اندازه سنگینی می کرد نا خواسته تن به این تسویه حساب دادند. کارخانه ی نساجی کردستان ۱۷۵ نفر کارگر قرار دادی ، پیمانی و رسمی داشت. به کارگران رسمی به ازای هر سال سابقه کار چهار ماه حقوق و مزایا به اضافه دو میلیون تومان و به کارگران قراردادی به ازای هر سال سابقه کار ۳ و نیم ماه حقوق و مزایا و شش صد هزار تومان و به کارگران پیمانی هیچ نوع حقوق و مزایائی بابت سابقه کار پرداخت نگردید. لازم به ذکر است کارگران این شرکت دارای سابقه کاری ۱۲ تا ۲۰ سال بوده اند . از تعداد ۱۷۵ نفر از کارگران کارخانه نساجی کردستان ، ۷ نفر از کارگران رسمی هنوز تسویه حساب نکرده اند و تعداد ۱۲ نفر از نگهبانانی و سه نفر از قسمت اداری تسویه حساب نموده و آنها بصورت قرار داد، دوماهه به سر کار هایشان بر میگرددند.

مصادره اموال کارخانه نساجی کردستان از طرف کارگران اخراجی

تعدادی از کارگران اخراجی در سال ۱۳۸۳ ( کارگران سالن بافندگی ) که از بابت دیه ، از مدیریت شرکت شکایت کرده بودند ، در سال ۱۳۸۶ طبق مدارک پزشکی مبلغ ۱۵۰ میلیون تومان دیه برای آنان برآورد و طی حکم دادگاه ، کار فرما مجبور به پرداخت آن مبلغ شده بود . اما مدیریت کارخانه به این حکم اعتراض و از پرداخت آن خود داری نمود . با پیگیری کارگران این مبلغ دو برابر شده و در سال ۱۳۸۷ کارگران شاکای که تعداد آنها ۶۵ نفر هستند با در دست داشتن حکم دادگستری برای توقیف اموال شرکت روز چهارشنبه مورخه ۸۷/۸/۱۵ در کارخانه نساجی کردستان حاضر شدند و اختیار کامل دارند تا مبلغ ۳۰۰ میلیون تومان از اموال کارخانه را بفروش رسانده و مامورین دادگستری آن را صورت جلسه نمایند.

### اعتراضات کارگران شرکت سبلان پارچه اردبیل

طی اخبار رسیده ، کارگران شرکت سبلان پارچه اردبیل به خاطر عدم دریافت حقوق و مزایا ، چندین بار در هفته های گذشته در مقابل

سازمان صنایع و استاندارد اردبیل دست به جمع زدند.

در این شرکت حدود ۲۵۰ نفر مشغول به کار بوده که از این تعداد، ۱۵۰ نفر در خط تولید کارخانه مشغول به کار می باشند که به مدت ۷ ماه است حقوق و مزایای خود را دریافت نکرده اند.

### **افشین شمس فعال کارگری به یک سال زندان محکوم شد!!**

امروز شنبه ۱۱ آبان ماه ۱۳۸۷ حکم صادر شده توسط دادگاه به افشین شمس ابلاغ گردید.

قاضی پرونده، افشین شمس را به یک سال حبس تعزیری محکوم کرد. لازم به ذکر است که صدور حکم فوق در غیاب وکیل ایشان آقای محمد شریف به افشین شمس ابلاغ گردیده است.

افشین شمس، فعال کارگری و عضو فعال کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل های کارگری و عضو کانون کاریکاتورریست ها، به دلیل فعالیت های کارگری و دفاع از حقوق کارگران در محل کار خود در شهرستان الیگودرز در تاریخ سیزده هم تیر ماه ۸۷ دستگیر و روانه زندان دستگرد اصفهان شد.

چند روز بعد منزل پدری وی در اصفهان مورد بازرسی قرار گرفته و کلیه دست نوشته های وی که در رابطه با مسائل کارگری بود توسط ما مورین اداره اطلاعات اصفهان جمع آوری گردید.

وی نزدیک به ۵ ماه است که دستگیر شده و با توجه به اعتراضات انجام گرفته در رابطه با آزادی بی قید و شرط و فوری وی امروز در غیاب وکیل ایشان حکم صادره ابلاغ و افشین شمس به یک سال حبس تعزیری محکوم شد.

ما هر گونه دادگاهی کردن فعالین کارگری را به شدت محکوم کرده و خواستار آزادی فوری و بی قید و شرط افشین شمس هستیم.

### **وضعیت اسف بار کارگران ساختمانی شرکت ژرف پی و شرکت تهران سیویل**

بیش از ۱۰۰ نفر از کارگران این دو شرکت بزرگ ساختمانی که مشغول تکمیل دانشگاه خلیج فارس در شهر بوشهر می باشند در وضعیت بسیار بحرانی به سر می برند. این موضوع باعث نگرانی کارگران این شرکتها که اکثرا کارگران مهاجر هستند شده است که دلایل عمده آن فقدان امنیت جانی و نبود بهداشت در قسمت خوابگاهی و دارا نبودن تجهیزات لازم برای ایمنی کارگران و عدم پرداخت به موقع دستمزدها و اخیرا اخراج بی دلیل چندین کارگر بلوچ در ابتدای فصل پاییزی باشد. به دنبال فشار بیش از حد بر کارگران برای انجام اضافه کاری اجباری، کارگران دست به اعتراض زده و این مسئله باعث شده است که شرکت با استثمار کارگران به نیت خود دست پیدا کند. این گامی مهم در ایجاد روحیه جمع گرایی میان صفوف کارگران ساختمانی به شمار می آید. آنان می بایست بدور از جو مسموم قوم گرایی که در جهت تفرقه افکنی میان آحاد کارگران که از ویژگی های نظام بردگی مزدی و سیستم سرمایه داری است در کنار هم و یکدل و یک صدا در مقابل صاحبکاران و تمامی مناسبات کارگر ستیز سرمایه داری، مهر باطل بکوبند.

### **عدم پرداخت حقوق کارگران بخش حمل و نقل پگاه همدان**

کارگران شرکت مواد لبنی پگاه همدان که یکی از بزرگترین کارخانجات تولید مواد لبنی در ایران می باشد بیش از دو ماه است که حقوق خود را دریافت نکرده اند. گفتنی است که شرکت دولتی پگاه یک از پر سود ترین شرکتهای تولیدی ایران است که کارخانه شماره سه آن در همدان بیش از هزار نفر نیروی کار دارد.

### **اعلام تعطیلی و اخراج کارگران شرکتهای گلکز شیرین و قند زاگرس اشنویه**

گسترش سرمایه به پهنای همه ی مرزهای جهان، زندگی بخش وسیعی از مردم، به ویژه کارگران را همراه با خانواده های آنها در سرتاسر دنیا به ورطه ی نابودی کشانده است. در کنار تأثیر مخرب و ویرانگر سرمایه، بحران های ساختاری این نظام، از جمله بحران اخیر، مزید بر علت شده و تأثیرات مخرب مضاعفی را بر شرایط کار و زندگی کارگران و توده های مردم محروم و تحت ستم، به ویژه در کشورهایی چون ایران، برجای گذاشته است. اگر چه صاحبان سرمایه اصرار دارند که این واقعیت ها را انکار کنند. مابه عینه می بینیم که بحران سرمایه داری هر روز وسعت بیشتری می یابد و خانواده های بیشتری را بی خانمان و از هستی ساقط میکند. به نظر میرسد که در این نظام هر چیزی در جهت عکس جریان معمول حرکت خود، در حال حرکت است. برای مثال کار سرمایه را می آفریند و حال آنکه سرمایه کار را استثمار می کند. ماشین الات صنعتی که به دست همین کارگران ساخته شده اند کمیت و کیفیت تولید را با سرعت بسیار زیادی بالا میبرد درحالیکه به کارگران فقط گرسنگی می بخشد. همه این

وارونگی در نظام سرمایه داری به نوبه خود تأثیراتش را بر شرایط کار و زندگی کارگران و تولید در کارخانه ها و شرکت های موجود در کشور ، از جمله شرکت های مورد نظر این نوشته ( گلوکز شیرین و قند زاگرس اشنویه ) نیز میگذارد . تا آنجا که چندی قبل کارخانجات مزبور در اقدامی مشابه و به بهانه ی بالا رفتن مواد اولیه و فروش ارزان محصولات ، تعدادی از کارگران را از کار بیکار کردند و در ادامه ی بحران ، شیفت شب را نیز به طور کامل تعطیل کردند و کارگران این شیفت را نیز بیکار نمودند و به آنها وعده دادند که در صورت رونق بازار !!! باردیگر آنها را به سرکارهایشان برگردانند که این البته حرف پوچ و توخالی بیش نبود . این روند برای مدتی ادامه پیدا کرد تا آنجا که دوکارخانه مذکور به طور کلی اعلام تعطیلی کردند و با کارگزارانشان تسویه حساب نمودند . و حالا این بحران قبل از همه دودش به چشم کارگران رفته است . چون این کارگران در حال حاضر بیکار هستند و درآمدی ندارند و فقط به آنها وعده داده شده که با شروع به کار مجدد کارخانه بر سرکارهایشان باز گردند . مضداق بارز " وعده ی سر خرمن " .

اما بشنویم صحبت های مدیر یکی از این کارخانه ها را . ما در شهر کوچکی مثل اشنویه اگر میخواستیم به تولید ادامه دهیم هر ماه حدود ۵ میلیون تومان ضرر می کردیم . چون نقدینگی ما ته کشیده بود و میبایست مواد اولیه را با پرداخت چک ، بالا تر از قیمت واقعی بخریم . و در آن سوی قضیه ، برای پاس کردن به موقع چکها و بدهی هایمان می بایست محصولات خود را ارزانتر از ارزش واقعی آن به فروش می رساندیم که دیگر خرج و دخل با هم همخوانی نداشت . ایشان دلیل پیش آمدن این وضع را هم تحریم ایران و جلوگیری از ورود برخی کالاها به کشور و در عین حال واردات بی رویه شکر میدانند . وی در جواب به این سؤال که پس زندگی این همه کارگر چه می شود ؟ میگوید به هر حال تا شروع مجدد کار در کارخانه ، خودشان برای خودشان فکری نکنند . اما چون این کارگران تخصص پیدا کرده اند اگر کارخانه راه افتاد حتما آنها را بر سر کارهایشان برمی گردانیم . زیرا اگر کارگرهای دیگر را بیاوریم با توجه به اینکه سابقه و تخصصی ندارند هم تولید از نظر کمی و کیفی پایین می آید و هم وقت می خواهد تا اینها تخصص پیدا کنند که در این صورت سرمایه زیادی تلف میشود . معنای دیگر این حرف این است که هر وقت صاحبان سرمایه در راستای منافع خویش به کارگران نیاز داشته باشند تخصص و سابقه چیز مهمی می شود ، ولی وقتی که سرمایه ی آنها مثلا به خطر می افتد این کارگران ، با همه تخصص شان هستند که باید چرخ دنده های این تغییر و تحولات و محاسبات سودجویانه بشوند و بار مشکلات و کمبود را تحمل نمایند . آنان باید به سرعت از کار بیکار شوند و فکری به حال خودشان نکنند !!! . واقعیت اینکه در جوامع سرمایه داری ، بخصوص در کشور هایی مثل ایران ، صاحبان سرمایه از پراکندگی و عدم انسجام طبقاتی ما نهایت بهره برداری را نموده و در واقع دیواری کوتاهتر از دیوار کارگر پیدا نکرده اند . چون در این قبیل جوامع ، سرمایه دار هر جا که گیر می کند تلاش می کند تا کارگر و منافع او را قربانی نماید و از این طریق راه فراری برای خود پیدا کند . چون راه فرار

سرمایه داران ظاهراً از کانال قربانی کردن کارگران میگذرد . پس کارگران : حالا که اخراج و بیکاری ما آسانترین راه برای صاحبان سرمایه ، در رسیدن به خواست های سودجویانه ی و ضد کارگری آنان شده است ، بیایید تا با گسترش آگاهی و تقویت همبستگی و اتحاد طبقاتی خویش ، ضمن افشای این گونه فریبکاری ها و دغل بازی های رندانه و ریاکارانه ، جلوی قدر قدرتی ها و یکه تازی های مثنی سرمایه دار معلوم و الحال را در بر باد دادن هر چه بیشتر هستی و زندگی کارگران بگیریم و با قدرت ، آنها را بر سر جای خویش بنشانیم .

### تجمع کارگران کارخانه نساجی کردستان

کارگران کارخانه نساجی کردستان در روز دوشنبه ۱۳۸۷/۸/۶ از ساعت ۹ الی ۱۱ صبح در جلو درب کارخانه تجمع کردند . کارگران بعلت پرداخت نکردن حقوق معوقه ماه مرداد و شهریور از سوی کارفرما، دست به تجمع و اعتراض زدند . به دنبال اعتراض کارگران ، کارفرمای شرکت قول داد حقوق یک ماه کارگران را به حساب آنان واریز نماید .

### حادثه در کارخانه ایران رادیاتور در شهر رشت

کامران پاک باز، کارگر شرکت ایران رادیاتور در مورخه ۱۷ مهر ماه ۸۷، به علت فرسوده بودن دستگاه دای کاست و بسته شدن ناگهانی درب دستگاه، داخل دستگاه افتاده و وی در حالی که دچار خفگی و بیهوشی شده بود، با دهان پر از کف از دستگاه بیرون کشیده شد . هم اکتون نامبرده در بیمارستان رشت بستری میباشد .

### قطعه نامه سراسری شرکت کنندگان در گلگشت آزادی افشین شمس

به موازات تاریخ موجودیت طبقه کارگر ، ستم و استثمار طبقاتی و همراه با آن فشار و سرکوب سرمایه، به اشکال و صور مختلف وجود داشته و تا آن زمان که مناسبات نابرابر و ضد انسانی سرمایه داری پابرجاست وجود خواهد داشت بدون تردید سرکوب اعتراضات کارگران، توسط طبقه ی سرمایه دار را باید ناشی از هراس این طبقه استثمارگر، در مقابله با رشد و گسترش اعتراضات کارگری، که در جهت تحقق خواست ها و مطالبات انسانی و طبقاتی این طبقه تحت ستم و استثمار صورت می گیرد، ارزیابی نمود . بیویژه در چنین شرایطی است که شاهد دستگیریها و اعمال فشارهایی بر کارگران و فعالین کارگری

می‌باشیم. افشین شمس نیز به عنوان یکی از فعالان کارگری و عضو کمیته ی هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل های کارگری است که در راستای این گونه اعمال فشارها و سرکوب ها توسط عوامل سرمایه، در تاریخ ۱۳ تیر ماه ۸۷ در محل کارش دستگیر و از آن تاریخ در وضعیتی نا معلوم به سر می‌برد. این در حالی است که فعالیتهای ایشان تماماً در راستای تحقق خواستههای انسانی و بر حق کارگران، از جمله ایجاد تشکل های کارگری بوده است. لذا فعالین متشکل در کمیته هماهنگی ضمن محکوم نمودن هرگونه فشار و سرکوب علیه کارگران و فعالان کارگری، خواسته های انسانی و طبقاتی خویش را در این خصوص به صورت زیر اعلام می‌دارند:

۱. افشین شمس قهقرخی بدون قید و شرط آزاد باید گردد.
۲. ما کارگران خواهان لغو احکام ضد انسانی شلاق و زندان علیه دستگیر شدگان مراسم اول ماه مه سنندج هستیم.
۳. ما کارگران خواستار پایان دادن به ارباب و تهدید و احضار کارگران و فعالین کارگری بخصوص کارگران هفت تپه و... میباشیم.
۴. ما کارگران حمایت خود را از هم طبقه‌ای‌هایمان از جمله کارگران هفت تپه، لاستیک البرز، کوره پز خانه ها، نساجی‌های کردستان و ... اعلام می‌داریم.
۵. ما کارگران هر گونه تهمت و پرونده سازی علیه کارگران و فعالان کارگری را به شدت محکوم می نماییم.

**کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل های کارگری**

از سایت کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل های کارگری دیدن کنید.

[www.komittehamahangi.com](http://www.komittehamahangi.com)

### دوستان و کارگران گرامی

جنبش کارگری قصد دارد شماره بعدی را به موضوع کنترل کارگری اختصاص دهد لذا از شما عزیزان فواشمندیم در صورت تمایل مطالب خود را در این مورد به ایمیل شورای هیات تمزیریه تا قبل از تاریخ ۱۵/۱۰/۱۳۸۷ ارسال نمایید.

[Nashr.komittehamahangi@gmail.com](mailto:Nashr.komittehamahangi@gmail.com)